



The Literary Interpretation of Theological Verses in the Thought of al-Sharīf al-Murtaḍā

A Typology of Theological Challenges and an Introduction to Literary Devices in al-Amālī

Mahdyar Shirazi Farashah¹ | Mohammad Saeid Bilkar²

1. PhD Student, PhD Student, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran & PhD exchange candidate, Faculty of Religion, Culture and Society, Rijksuniversiteit Groningen, Netherlands. Email: mahdiar.shirazi@modares.ac.ir

2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ms.bilkar@ut.ac.ir

Abstract

This study seeks to identify the intellectual foundations and methodological orientation of the rationalist current of fourth-century Baghdad through an analysis of one of the few Shi'i–Mu'tazilite works, namely Ghurar al-Fawā'id wa Durar al-Qalā'id by al-Sharīf al-Murtaḍā. In this work, adopting an approach aimed at resolving misconceptions, the author engages with theological verses and their interpretation (ta'wīl), striving to harmonize Qur'ānic verses and transmitted reports (riwāyāt) with Shi'i–Mu'tazilite rational principles. Using a descriptive–analytical method, the present research examines the theologically challenging verses addressed in al-Amālī, offering a systematic classification of the theological challenges they present, as well as an analysis of al-Murtaḍā's interpretive strategies. The findings indicate that these theological verses fall into four main categories: determinism (jabr) at 41.1%, anthropomorphic attributes (ṣifāt khabariyyah) at 26.4%, morally problematic divine acts (af'āl qabīḥah) at 20.5%, and infallibility ('iṣmah) at 11.7%. Al-Sharīf al-Murtaḍā presents 93 interpretive responses to address the misconceptions raised by 31 theological verses in al-Amālī, employing 17 distinct literary devices in his theological interpretations. The most prominent of these include: “figurative interpretation”, “restriction of lexical signification”, “modification of the verb's referent”, “rational justification”, and “lexical polysemy”. Among the various categories of theological challenges, the most frequently employed interpretive device is “figurative interpretation”, which appears in 25.5% of the responses related to the challenge of determinism, 42.8% in anthropomorphic attributes, 37.9% in morally problematic acts, and 27.7% in infallibility.

Keywords: al-Sharīf al-Murtaḍā, Amālī al-Murtaḍā, interpretation, theological justification, literary devices.

Cite this article: Shirazi Farashah, M., & Bilkar, M. S. (2026). The Literary Interpretation of Theological Verses in the Thought of al-Sharīf al-Murtaḍā: A Typology of Theological Challenges and an Introduction to Literary Devices in al-Amālī. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (2), 439-470. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.410413.670597>



Article Type: Research Paper

Received: 10-Jan-2026

Received in revised form: 17-Mar-2026

Accepted: 19-Mar-2026

Published online: 20-Mar-2026

تأویل ادبی آیات کلامی در منظومه فکری شریف مرتضی گونه‌شناسی چالش‌های کلامی و معرفی ابزارهای ادبی در الأمالی

مهدیار شیرازی فراشاه^۱ | محمدسعید بیلکار^۲ ✉

۱. دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران و دانشجوی دکتری تبادلی، دانشکده دین، فرهنگ و جامعه، دانشگاه خرونینگن، هلند. رایانامه: mahdiar.shirazi@modares.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ms.bilkar@ut.ac.ir

چکیده

این پژوهش به منظور بازشناسی مبنای فکری و رویکرد جریان عقل‌گرای بوم بغداد قرن چهارم به یکی از معدود آثار شیعی-معتزلی یعنی غرر الفوائد و درر القلائد اثر شریف مرتضی پرداخته که با رویکرد رفع شبهات به طرح آیات کلامی و تأویل آنها همت گماشته و سعی در ایجاد ائتلاف میان آیات و روایات با مبنای عقلی شیعی-معتزلی نموده‌است. پژوهش حاضر ضمن بررسی آیات چالش برانگیز کلامی در امالی با روش توصیفی-تحلیلی به معرفی و دسته‌بندی چالش‌های کلامی موجود در این آیات و نیز عملکرد تأویلی مرتضی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آیات کلامی مطروحه، در ذیل چهار دسته جبر با ۴۱/۱ درصد، صفات خبریه با ۲۶/۴ درصد، افعال قبیح با ۲۰/۵ درصد و عصمت با ۱۱/۷ درصد قرار می‌گیرد. شریف مرتضی به طرح ۹۳ وجه تفسیری برای پاسخ به شبهه ۳۱ آیه کلامی در امالی پرداخته و از ۱۷ ابزار ادبی در تأویلات کلامی خویش بهره گرفته‌است؛ مهم‌ترین این ابزارها عبارت‌اند از: «ارائه معنای مجازی»، «تخصیص مدلول واژه»، «تغییر متعلق فعل»، «توجیه عقلی» و «اشتراک لفظ». در میان انواع چالش‌های کلامی، مهم‌ترین ابزار مورد استفاده «ارائه معنای مجازی» است که در ۲۵/۵ درصد از وجوه بیان‌شده در ذیل چالش «جبر»، ۴۲/۸ درصد از وجوه چالش «صفات خبریه»، ۳۷/۹ درصد از وجوه چالش «افعال قبیح» و ۲۷/۷ درصد از وجوه چالش «عصمت» به کار رفته‌است.

کلیدواژه‌ها: شریف مرتضی، امالی مرتضی، تأویل، توجیه کلامی، ابزارهای ادبی.

استناد: شیرازی فراشاه، مهدیار، و بیلکار، محمدسعید (۱۴۰۴). تأویل ادبی آیات کلامی در منظومه فکری شریف مرتضی: گونه‌شناسی چالش‌های کلامی و معرفی ابزارهای ادبی در الأمالی. پژوهش‌های قرآن و حدیث. ۵۸ (۲)، ۴۳۹-۴۷۰.

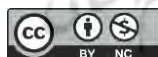
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.410413.670597>

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹



مقدمه

قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع عقیدتی مسلمانان، همواره مورد اهتمام و گاه محل نزاع فرقه‌های مختلف کلامی بوده است؛ چه تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی هر مفسر بر چگونگی تفسیر آیات غیرقابل انکار است. با نگاهی کلان به انواع مواجهه مسلمانان با متن قرآن کریم، دو رویکرد عمده عقل‌گرایی و نقل‌گرایی قابل شناسایی است. این دو رویکرد که در طی قرون مختلف در لباس مکاتب گونه‌گون فکری و عقیدتی بروز یافته است، عناوین مختلفی را از آن خود کرده که مُشعر به مفهومی با جوهره واحد در میان قرون متمادی است. در این میان و به منظور مطالعه عمیق رویکرد عقل‌گرا به متن قرآن کریم، که چالش‌برانگیزترین نوع آن نحوه مواجهه دانشمندان این مکتب با آیات کلامی است، شخصیت‌های مهمی در تاریخ دانش کلام وجود دارند که تا کنون به اندازه کافی به منظومه فکری ایشان توجه نشده است.

در میان متکلمان برجسته قرن چهارم، مطالعه آثار ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی معروف به شریف مرتضی (م. ۴۳۶ق) اهمیت به‌سزایی برای شناخت آرای کلامی و نیز رویکرد تفسیری متکلمان عقل‌گرای بوم بغداد که محل تلاقی عقاید شیعی و معتزلی در آن عصر است، دارد. این شخصیت به عنوان معرف برجسته‌ای از جریان پیش‌گفته، در اثر گران‌بهای خود با عنوان غرر الفوائد و درر القلائد معروف به الامالی، رویکردی کم‌نظیر در تفسیر قرآن، که در میان آثار شیعی-معتزلی کمتر به چشم می‌خورد، اتخاذ نموده است. شریف مرتضی در الامالی که مجموعه‌ای از ۸۰ مجلس در موضوعات تفسیر آیات مشکل، تأویل اخبار، ادبیات و شعر است، به چالش‌برانگیزترین آیات قرآن، که عمدتاً محل نزاع متکلمان قرار گرفته‌اند، پرداخته و وجوه گوناگون ادبی-معنایی را در ذیل هر آیه بیان می‌کند. هر چند این اثر گران‌سنگ شیعی از جهات گوناگون مورد واکاوی و مطالعه قرار گرفته است، بررسی روش شریف مرتضی در چگونگی مواجهه با آیات کلامی و چالش‌های آن امری است که کمتر مورد عنایت پژوهشگران قرار گرفته است؛ به خصوص که رویکرد وی نیازمند نسبت‌سنجی با دو رویکرد شیعی و معتزلی به تفسیر آیات کلامی است. پژوهش حاضر در صدد بازشناسی منظومه تأویلی شریف مرتضی به عنوان نمونه تامل جریان عقل‌گرای بغداد قرن چهارم است و در این راستا به گونه‌شناسی انواع آیات کلامی و چالش‌های آن در الامالی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در میان مطالعات گوناگونی که پیرامون شخصیت علمی شریف مرتضی، احوال و آرای او به نگارش درآمده‌اند، چند گونه از پژوهش‌ها در ارتباط بیشتری با پژوهش حاضر قرار دارند. دسته اول، پژوهش‌هایی است که پیرامون امالی سید مرتضی به رشته تحریر درآمده‌اند. در میان این آثار برخی به معرفی امالی پرداخته‌اند که در این راستا می‌توان به مقاله فاطمه شیخ‌الرئیس با عنوان نگاهی اجمالی

به کتاب (امالی) و روش تفسیری سید مرتضی (مجله کتاب ماه دین، شماره ۶ و ۷، اردیبهشت ۱۳۷۷) و مقاله مهرداد عباسی با عنوان شخصیت سید مرتضی، کتاب امالی و احادیث آن (مجله علوم حدیث، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۰) اشاره کرد. برخی پژوهش‌های مرتبط با امالی به نسخه‌شناسی این اثر همت نهاده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به یادداشت حسن انصاری با عنوان نسخه‌ای که‌نسال از امالی شریف مرتضی به همراه اجازه‌ای ارزشمند از ادیبی شیعی (بررسی‌های تاریخی، مهر ۱۳۹۴) اشاره کرد. برخی پژوهشگران به روش فقه‌الحدیثی سید مرتضی در الامالی پرداخته‌اند؛ مقاله مبانی و روش سید مرتضی در فهم اخبار آحاد با تکیه بر کتاب امالی از مهرداد عباسی و سید علی آقایی (مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸) و مقاله گونه‌شناسی تأویل و تبیین روایات در کتاب امالی سید مرتضی از ولی‌الله حسومی (مجله نقد و نظر، شماره ۶۸، دی ۱۳۹۱) در این دسته جای می‌گیرد. بررسی روش تفسیری سید مرتضی در الامالی امری است که تاکنون در قالب مقالات پژوهشی صورت نپذیرفته‌است؛ هرچند در قالب پایان‌نامه‌ای با عنوان روش‌های حل آیات مشکل در کتاب امالی سید مرتضی توسط مجید صادقی مزیدی به راهنمایی اصغر قاسم پور (۱۴۰۰) دارای پیشینه است.

قسم دوم از پیشینه‌های پژوهش حاضر آثاری است که به منظومه فکری شریف مرتضی و آرای کلامی او پرداخته‌اند. در این میان تعداد آثاری که به این مهم پرداخته‌اند بسیار زیاد بوده و تنها به مهم‌ترین اثر در این زمینه یعنی دکترین شیعی، الهیات معتزلی؛ شریف مرتضی و گفت‌وگوهای امامی^۱ (۲۰۱۷) تألیف حسین عبدالساتر^۲ اشاره می‌نماییم. نویسنده در اثر حاضر با تتبع فراوان در آثار شریف مرتضی به شناسایی آرای کلامی او در ترازویی میان آرای اسلاف شیعی او همچون شیخ مفید و نیز معاصران معتزلی‌اش مانند قاضی عبدالجبار قرار داده‌است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی چالش‌های کلامی و جایگاه‌شناسی این چالش‌ها در منظومه تأویلی شریف مرتضی در الامالی است؛ امری که تاکنون مورد عنایت پژوهش‌گران نبوده‌است. این پژوهش با بررسی تفصیلی آیات مطرح در امالی به دنبال بازشناسی چالش‌های کلامی و نسبت‌سنجی میان نوع چالش کلامی و نحوه تعامل ادبی شریف مرتضی با آن‌ها است. همچنین از دیگر تمایزات مقاله پیش‌رو با پژوهش‌های پیشین بررسی تمامی آیات کلامی مورد بحث از سوی سید مرتضی در الامالی که می‌تواند الگوی عملکرد وی را به طور منسجم مورد مطالعه قرار دهد.

۱. جریان کلامی بغداد قرن چهارم؛ عقل‌گرایی شیعی-معتزلی

مطالعه سیر تطور «معتزله» و «شیعه» با نظری به آرای و عقاید کلامی این دو مکتب، دو سیر تطور متفاوت که در برهه و جغرافیایی خاص با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند را نمایش می‌دهد. بغداد در نیمه

^۱. Shi'i Doctrine, Mu'tazili Theology: Al-Sharif Al-Murtada and Imami Discourse

^۲. Hussein Ali Abdulsater

دوم قرن چهارم و نیمه نخست قرن پنجم جامعه‌ای است که در آن نسخه‌ای از کلام شیعی بارور می‌شود که در عقل‌گرایی شباهت‌هایی به دستگاه کلامی معتزله دارد. از جمله این نقاط اشتراک در شیعه و معتزله بغداد پیاده‌سازی سبکی از تفکر انتزاعی است^۳ که باعث خلق یکی از مهم‌ترین جلوه‌های «کلام» و «تفسیر» استدلالی در امامیه گردیده‌است. بر این مبنا، هم‌راستایی برخی اعلام شیعه همچون شیخ مفید، شریف مرتضی و بسیاری دیگر با جریان عقل‌گرایی جامعه علمی خود باعث گردیده آثار تراجم مملو از تعابیری باشد که برخی دانشمندان را هم‌زمان «امامی» و «معتزلی» معرفی می‌کنند^۴. چنان‌چه «عقل‌گرایی» را نقطه محوری اشتراک میان شیعه بغداد و معتزله بدانیم، دیگر عجیب نیست که چرا برخی هم شریف مرتضی و هم قاضی عبدالجبار را معتزلی به حساب آورده‌اند، در حالی که یکی در فقه، امامی و دیگری شافعی است.

شباهت‌های رویکردی میان شیعه و معتزله باعث گردیده گمانه‌های زیادی در رابطه با ماهیت این دو مکتب مطرح گردد. سه جریان اصلی در میان کسانی که پیرامون سنخیت رابطه «معتزله» و «شیعه» به ارائه نظر پرداخته‌اند، وجود دارد^۵ (Abdulsater, 2017: 2): جریان نخست که متشکل از جریان غالب اهل سنت و نیز مستشرقان است، معتقد به وام‌گیری شیعیان از معتزلیان هستند (Ibid: به عنوان نمونه نک: اشعری، ۱۴۰۰: ۳۵؛ امین، بی‌تا: ج ۳: ۲۶۷). مطابق اعتقاد این گروه تا پیش از مواجهه شیعیان با آرای معتزله، شیعیان از این مسائل ناآگاه بودند یا اگر آگاهی داشتند نسبت به پاسخ‌گویی به آنها بی‌اعتناء بودند^۶ (Ibid). نظریه دوم و سوم در ارتباط با سنخیت رابطه «معتزله» و «شیعه»، نظرات برخاسته از محافل شیعی است و بر عدم وام‌داری این مکتب از اعتزال تأکید دارد. تفاوت میان این دو نظر در آن است که نظریه دوم بر مبدأ مستقل شیعه از «اعتزال» تأکید داشته و

۳. مایکل کوک «اعتزال» را نه یک فرقه بلکه مبنای فکری، متشکل از عناصری چون «تفکر انتزاعی»، می‌داند که می‌تواند بر روی هر مکتبی پیاده شود (Cook, 2010: 195).

۴. برخی برای معرفی شریف رضی از همین عنوان «امامی معتزلی» بهره‌برده‌اند (نک: نویض، ۱۴۰۹: ج ۲: ۱۹). در ترجمه فرزند شریف مرتضی، حسن، ملقب به اظهر نیز از تعبیر «شیعی جلد معتزلی» استفاده شده‌است (نک: ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۳: ۶۱؛ تعبیر «شیعی جلد» عنوانی رایج برای معرفی عالمان شیعه است؛ به عنوان مثال نک: ذهبی، ۱۹۶۳: ج ۱: ۵). حموی در توصیف شخصی به نام ابوبکر الحسن بن یعقوب بن أحمد (م. ۵۱۷ق) با عنوان «کان عالماً فی الاعتزال داعیاً إلى الشیعة» یاد می‌کند (نک: حموی، ۱۴۱۴: ج ۳: ۱۰۲۷). مشابه این تعابیر در مورد محمد بن راشد المکحولی (م. بعد از ۱۷۰ق) تعبیر «معتزلی رافضی» است که شعبة او را به این وصف خوانده‌است (نک: ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۰: ۴۲۴؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ج ۴: ۶۵). ذهبی در ترجمه ابوالقاسم علی بن محمد تنوخی (م. ۳۴۲ق) از پیشینیان خود دو تعبیر «کان رأیه الرفض والاعتزال» و نیز «کان یتشیع، و یدهب إلى الاعتزال» را در رابطه با او نقل نموده‌است (نک: ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱۷: ۶۵۰). همچنین صاحب بن عبّاد نیز، در کلام ذهبی، «شیعی جلد کال بویه لکنه معتزلی» معرفی شده‌است (نک: همو، ۱۴۲۴: ج ۸: ۵۷۱).

۵. فضای کلامی بغداد در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم به گونه‌ای بوده که شیخ مفید انگیزه پیدایش مهم‌ترین کتاب کلامی خود یعنی اوائل المقالات را درخواست فردی از او در جهت بیان تمایز اعتقادات شیعه و معتزله بیان می‌کند (نک: مفید، ۱۴۰۳: ۳۵). این امر حکایت از آن دارد که تمایز اعتقادات شیعی و معتزلی در زمان خود شیخ مفید نیز محل سؤال بوده‌است.

۶. شهرستانی، به عنوان یکی از طرفداران این نظریه، با اِشعار بر عدم وحدت شیعیان در آرای کلامی خود، بعضی از ایشان را تابع معتزله، گروه دیگر را تابع اهل سنت و گروه دیگر را پیرو مکتب «تشبیه» عنوان می‌کند (نک: شهرستانی، بی‌تا: ج ۱: ۱۴۷).

بدین منظور به روایات ائمه که پیش از معتزله به مسائل کلامی پاسخ داده‌اند، اشاره می‌کنند (به عنوان مثال نک: امین، ۱۹۸۳: ج ۱: ۶۸). نظریه سوم پای را فراتر نهاده و نه تنها بر هویت مستقل شیعه از معتزله تأکید دارد، آرای معتزلیان را مأخوذ از تعالیم ائمه (ع) می‌داند^۶ (نک: مرتضی، ۱۹۵۴: ج ۱: ۱۴۸؛ سبحانی، ۱۴۲۵: ۱۵). گویی سه نظر پیش گفته تأکید ویژه‌ای بر محتوای اعتقادات کلامی شیعه و معتزله در راستای فهم نسبت و رابطه میان این دو مکتب دارند. در حالی که می‌توان در مقام کشف رابطه میان این دو گروه به جای اصل قرار دادن محتوای اعتقاد، ابزار مشترک مورد استفاده دانشمندان این دو مکتب در راستای کشف اعتقاد، تفسیر متن دینی و تأویل ظهورات وحی را مورد توجه قرار داد. زمانی که توجه خود را به «رویکرد» کلامی شیعه و معتزله، و نه خروجی اعتقادی ایشان، معطوف نماییم، خواهیم یافت نقطه تلاقی اصلی این دو مکتب در بغداد قرن چهارم «استفاده از ابزاری خاص در بحث‌های کلامی» است که دامنه آن به تفسیر قرآن و حدیث کشیده شده و باعث قرابت میان اعلام این دو مکتب گردیده است. ابزاری که هم شیعه بغداد و هم معتزله در استفاده از آن مشترک‌اند شیوه‌ای خاص در به کارگیری «استدلال عقلی» است. با وجود پژوهش‌های گسترده پیرامون مکاتب کلامی، بازشناسی این شیوه «استدلال عقلی»، تحلیل رابطه آن با «استدلال ادبی»، جایگاه‌شناسی آن در قرابت آرای کلامی شیعه و معتزله و فهم تأثیر آن در پیدایش «تفسیر استدلالی» قرآن از بایسته‌های پژوهشی امروز است. در ادامه به منظور بازشناسی «استدلال عقلی» پیش گفته در نحوه مواجهه دانشمندان این جریان با آیات چالش برانگیز کلامی و به کارگیری ابزارهای ادبی مورد استفاده برای تأویل این آیات، به سراغ یکی از مهم‌ترین آثار کلامی-تفسیری جریان عقل‌گرای بغداد قرن چهارم یعنی الامالی خواهیم رفت.

۲. تأویل در منظومه فکری شریف مرتضی

در ابتدا مبانی کلامی شریف مرتضی در مواجهه با آیات کلامی و سپس رویکرد عملی وی در تأویل این آیات از نظر گذرانده خواهد شد.

۲-۱. مبانی کلامی شریف مرتضی در مواجهه با آیات کلامی

یکی از مؤلفه‌های اعتقادی شریف مرتضی این نظریه است که «وحی» در مقام شناخت حقایق و اعتقادات صحیح نه جایگاهی «أصالی» که جایگاهی کمکی برای «عقل» دارد. از این روی در این نگاه، همان‌گونه که وحی در شناخت خدا جنبه کمکی برای عقل دارد، وحی به عنوان الگویی برای شیوه سخن گفتن درباره خدا نیز در حاشیه قرار دارد (Abdulsater, 2017: 78). توضیح اینکه، مطابق دیدگاه مرتضی، همان‌گونه که عقل بشری می‌تواند خدا را بشناسد، زبان بشری نیز می‌تواند خدا

^۶. این ادعا تا جایی فراتر رفته که برخی از علمای معاصر شیعه، معتزله را فرقه‌ای از فرق تشیع خوانده‌اند (نک: روحانی، ۱۹۷۹: ۱۰۷).

را توصیف کند؛ منتهی تا جایی که محدودیت‌های زبان باعث نشود امر ناسازی به خدا نسبت داده شود (Ibid).

مرتضی از همین روی با اتخاذ رویکردی جالب توجه، به واژگانی می‌پردازد که با آنها می‌توان خداوند را در حیطه ذات یا افعال وصف نمود و در رابطه با معانی این واژگان و اینکه با قصد کدامیک از معانی می‌توان آنها را به خدا نسبت داد، بحث مفصلی ترتیب می‌دهد (نک مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۷۴-۶۰۴). «صفات ذاتی» خدا در دسته‌بندی مرتضی شامل «واژگان دال بر وجود»، «واژگان دال بر قدرت»، «واژگان دال بر علم» و «واژگان دال بر حیات» است (همان). مرتضی پس از بیان واژگان دال بر هر یک از معانی فوق به ارائه معانی متصور برای آن واژه و نیز نظر اعلام معتزله در مورد آن، خصوصاً ابوهاشم جبائی و پسرش ابوعلی جبائی، می‌پردازد.

بحث پیش‌گفته مرتضی در این موضوع هیچ شباهتی به بحث‌های اشاعره یا اهل حدیث ندارد؛ چه در طول بحث هیچ ارجاعی به آیات قرآن یا روایات دیده نمی‌شود؛ جز در مواردی که وی در صدد بیان مجازی بودن یک صفت در قرآن است. به عنوان مثال او با بحث عقلی، اطلاق واژه «متین» یا «شدید» را برای خدا مستحیل می‌داند؛ با این استدلال که این دو واژه به معنای «صلابت» اند و اطلاق «صلابت» برای خدا دارای مشکل است (نک همان: ۵۸۲). سپس اشاره می‌کند که وصف خدا به صفت تفضیلی «شدید» در آیه «هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فصلت: ۱۵) مجازی است (نک: همان).

شریف مرتضی با یک تقسیم‌بندی عقلی نخست به «صفات» که به ذات برمی‌گردند و سپس به «صفات» که به فعل برمی‌گردند پرداخته‌است. نباید گمان شود که انگیزه این تقسیم‌بندی، ارائه تقسیمی برای صفات وارده برای خدا در کتاب و سنت است.^۸ در میان این صفات، واژگانی نظیر «لم یزل غیرفاعل» یا «متجبر» دیده می‌شوند که اصلاً در قرآن به کارنرفته‌اند.^۹ عدم وجود تعداد قابل توجهی از این واژگان در قرآن و حتی حدیث و نیز تأکید مرتضی بر آنکه می‌توان خدا را با آنها وصف کرد با عبارت «ویوصف تعالی بانه ...» و نیز اشعار بر برخی صفات که نمی‌توان خدا را به آنها وصف کرد با عبارت «ولا یوصف تعالی بانه ...» نشان‌دهنده آن است که رویکرد او به مسئله صفات در اصل عقلی است. دلیل بر این مدعا آن است که نه در ساحت صفاتی که شایسته‌است به خدا نسبت داده شوند و نه در ساحت صفاتی که شایسته نیست به خدا نسبت داده شوند، کتاب و سنت محوریت اصلی

^۸ برخلاف رویکرد عمومی اهل حدیث که اساساً حول «مسئله صفات وارده در کتاب و سنت» است (نک ابن تیمیة، ۱۴۲۶: ج ۱: ۴).

^۹ از جمله می‌توان به صفات «کائن»، «قدیم»، «لم یزل» (در صفات دال بر وجود)، «مقتدر»، «سید»، «متجبر»، «متعظم»، «جلیل»، «مستولی»، «مطیق» (در صفات دال بر قدرت)، «عارف»، «داری»، «طیب»، «متیقن»، «متحقق» (در صفات دال بر علم) و «راء» و «مدرک» در صفات دال بر حیات اشاره کرد (نک: همان).

را ندارند بلکه افاده حسن یا قبح در معنای این واژگان است که می‌تواند مجوزی برای نسبت دادن آنها به خداوند باشد^{۱۰}

این دقیقاً نقطه مقابل رویکرد عمومی اهل حدیث است که دغدغه اصلی ایشان اسماء و صفات وارده در قرآن و کلمات پیامبر (ص) است. نگاهی به اشکالات و جواب‌های مطرح شده در کتاب بیان التلبیس ابن تیمیه^{۱۱} به خوبی تفاوت دیدگاه اشاعره و اهل حدیث در یک سو و نیز معتزله در سوی دیگر را نشان می‌دهد. اینکه دغدغه اصلی دو گروه نخست حل مشکل آیات بوده که اشاعره در آن اشکالی می‌دیدند و اهل حدیث با قول به پذیرش بی‌قید و شرط آیات و روایات و منع از خوض در شبهات به آن پاسخ می‌دهند. این در حالی است که مسئله معتزله در وهله نخست بحث‌هایی تماماً عقلی است که ممکن است به بحث‌های نقلی، به صورت استطرادی، کشیده شود. در نتیجه در مکتب معتزله، وحی نه تنها تعیین‌کننده این نیست که خدا را با چه کلماتی می‌توان وصف کرد، بلکه خود آن مورد محک عقل قرار گرفته و در صورت ناسازگاری با مبانی عقلی، مورد تأویل قرار می‌گیرد.

شریف مرتضی در اثر دیگر کلامی خود یعنی الملتص در ذیل فصلی با عنوان «الکلام فی نفی الرؤية والإدراك عنه» تنها زمانی به آیات معدودی از قرآن مانند «لاتدرکه الأبصار»، «رب أرنی أنظر الیک» و «وجوه یومئذ ناظره» و یک حدیث نبوی «ترون ربکم کما ترون القمر» پرداخته‌است. تنها هدف ذکر این آیات در بحث شریف مرتضی، پاسخ به اشکال مخالفین است که به نحوی از انحاء از این آیات معنایی موافق با «رؤیت» استظهار کرده بوده‌اند (نک مرتضی، ۱۳۸۱: ۲۲۷-۲۶۹). شریف مرتضی با طرح بحث‌های مختلف لغوی، شعری و عقلی راه‌های گوناگونی را برای پاسخ به این شبهات پیموده‌است که بسیار شبیه به روش‌های تأویل او در امالی است.

^{۱۰} آن گونه که مرتضی گزارش می‌کند، بعضی از معتزله حکایت کرده‌اند که ابوهاشم جبائی اطلاقی واژه «لم یزل غیرفاعل» را برای خدا جایز می‌دانسته‌است. این اسم واژه‌ای است که در ورای آن بحثی کلامی نهفته‌است؛ اینکه خدا از ازل فاعل بوده‌است یا نه؟ به دیگر عبارت، «فعل»، ذاتی خداوند است یا بر او حادث شده‌است (برای این بحث نک ابن حزم، بی‌تا: ج ۵: ۳۶؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۱: ۱۷۴). فرزند ابوهاشم یعنی ابوعلی جبائی با نظر پدرش مخالفت نموده‌است؛ چه وی معتقد بوده «لم یزل» تنها زمانی که با یک صفت اثباتی همراه گردد می‌تواند به خدا نسبت داده شود؛ مانند «لم یزل عالماً» یا نظایر آن. بر این اساس، چون «لم یزل» منفی است و «غیر عالم» نیز منفی است، اقتران دو منفی نتیجه ایجابی به بار خواهد داشت. فارغ از درستی یا نادرستی این استدلال، اینکه جماعتی از معتزله بر سر واژه‌ای ابداعی که تاکنون در قرآن و روایات به کار نرفته، چنین بحث‌هایی می‌کنند، شاهد مثال خوبی از دغدغه‌های عقلی اعتزالی است.

^{۱۱} ابن تیمیه در ابتدای کتاب بیان التلبیس خود که مهم‌ترین اثر نگاشته شده در رد آرای جهمیه، معتزله و اشاعره درباره صفات الهی است، سبب پیدایش کتاب را اتفاقی در حدود سال ۶۹۰ هجری می‌داند که جوانانی از حماة از او سؤالاتی در باب آیات و احادیث وارده درباره صفات خدا پرسیده‌اند و او جوابی برای ایشان نوشته و سپس عده‌ای بر او اشکال کرده‌اند و او مجدد پاسخ گفته و به این ترتیب چندین مجلد در این بحث از او به جای مانده‌است (نک ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ج ۱: ۷-۸). از اشاره ابن تیمیه به اینکه مهم‌ترین مرجع کسانی که بر او اشکال گرفته‌اند کتاب تأسیس التقدیس فخر رازی بوده (همان: ۸)، برمی‌آید که طرف مقابل او در این نزاع اشاعره بوده‌اند.

آیات و روایات چالش‌برانگیز کلامی که در امالی مورد بحث قرار گرفته نیز از سنخ مورد پیش‌گفته است. در ادامه به این آیات که به مناسبت مورد اشکال مخالفان شریف مرتضی، با تمسک به استظهارات خود از آن آیات قرار گرفته، می‌پردازیم و راه‌کارهای تأویلی شریف مرتضی را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۲-۲. معرفی آیات کلامی در امالی و چالش‌های آنها

مطابق تصریح شریف مرتضی در امالی، رویکرد او در مواجهه با آیات صفات الهی پاسخ به شبهات است؛ چنان‌که وی در ابتدای بحث خود را در همه موارد با عبارت «إن سأل سائل عن قوله تعالى ...» آغاز می‌کند (به عنوان نمونه نک مرتضی، ۱۹۵۴: ج ۱: ۳۲۴، ۳۷۵، ۵۶۵، ۵۹۰؛ ج ۲: ۲۱۵). این عملکرد به خوبی نشان می‌دهد که شریف مرتضی با حجم قابل توجهی از اشکالات که همگی برخاسته از آیات قرآن، و در موارد اندک روایات (به عنوان مثال نک: همان: ج ۱: ۳۱۸) است، روبه‌رو بوده است. رویکرد پیش‌گفته در آثار دیگر او از جمله الذخیره و الملخص نیز دیده می‌شود.

تعبیر «إن سأل سائل ...» ۹۱ بار در امالی به کار رفته و مطلع اکثر بحث‌های شریف مرتضی در حجم قابل توجهی از مجالس اوست. در این میان، ۱۲ مورد، سؤال از معنای روایتی خاص و ۷۹ مورد سؤال از محتوا و مدلول آیه یا آیاتی از قرآن است. ۲۷ مسئله (شامل ۳۱ آیه و ۲ روایت) از ۹۱ مسئله پیش‌گفته یعنی حدوداً ۳۰٪ از موارد فوق به چالش‌های کلامی اختصاص دارد و باقی موارد همگی سؤالاتی معناشناختی و تأویلی است که پیرامون چالشی معنایی در یک آیه یا روایت شکل گرفته‌اند. این چالش گاه برخاسته از ابهام و گاه برخاسته از تعارض مدلول آیه یا روایت با اصل عقلی یا مفروض ذهنی رایج است. جدول شماره ۱ موارد دارای چالش کلامی را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱- دسته‌بندی آیات و روایات با چالش کلامی در امالی مرتضی

چالش کلامی	آیات-روایات	تعداد ^{۱۲}	درصد
جبر	آیات: اسراء: ۱۶؛ اعراف: ۱۴۶؛ تکویر: ۲۹؛ بقره: ۲۵۷؛ کهف: ۲۳؛ مائده: ۶۰؛ صافات: ۹۶؛ هود: ۳۴؛ اعراف: ۸۹؛ توبه: ۵۵؛ آل عمران: ۸؛ هود: ۱۱۸؛ بقره: ۱۵ روایات: «ما من أحد یدخله عمله الجنة، وینجیه من النار» (همان: ج: ۱: ۳۴۴)	۱۴	۴۱/۱
اسناد قبیح به خدا در مرحله صفات	نفس	آیات: مائده: ۱۱۶؛ آل عمران: ۲۸ روایات: وإذا ذکرنی فی نفسہ ذکرته فی نفسی (همان: ج: ۱: ۳۲۴)	۹
	فقدان قدرت	بقره: ۲۱۰	
	ید	ص: ۷۵	
	وجه	قصص: ۷۸؛ انسان: ۹؛ الرحمن: ۲۷)	
	رؤیت	اعراف: ۱۴۳	
اسناد قبیح به خدا در مرحله افعال	اراده اختلاف مردم	هود: ۱۱۸-۱۱۹	۷
	اراده شر نسبت به بندگان	بقره: ۱۰۲؛ بقره: ۴۹	
	تکلیف ما لا یطاق	بقره: ۳۱؛ بقره: ۲۸۶	
	استهزاء	بقره: ۱۵	
	قرارگرفتن در وراء حجاب	شوری: ۵۱	
منافات با عصمت انبیاء	نسبت اراده معصیت به یوسف (ع)	یوسف: ۲۴؛ یوسف: ۳۳	۴
	نسبت اراده گناه دیگری به هابیل	مائده: ۲۹	
	نسبت شرک به آدم و حواء	اعراف: ۱۹۰	
کل		۳۴	۱۰۰

^{۱۲}. لازم به ذکر است که یکی از آیات یعنی آیه ۱۵ بقره دارای دو چالش کلامی بوده و همین باعث گردیده در شمارش جدول تعداد آیات و روایات مجموعاً به ۳۴ مورد برسد که شامل ۳۲ آیه و ۲ روایت است. چنانچه واحد شمارش را آیه، نه عبارت، قرار دهیم تعداد آیات به ۳۱ آیه کاسته می‌شود و مجموع آیات و روایات به ۳۳ مورد خواهد رسید.

همان‌طور که گذشت چالشی که علت گزینش موارد ۹۱ گانه در امالی است، ذیل دو عنوان کلی «ابهام» و «تعارض» قابل طرح است. ابهام در مواردی که در آن معنای آیه نامشخص است، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ گاه این ابهام معلول غرابت لفظ (نک: همان: ج ۱: ۴۹۲)، گاه معلول غرابت ساختار (نک: همان: ج ۱: ۳۵۴) و گاه معلول ناآشنایی با فضای نزول آیه است (به عنوان مثال نک: همان: ج ۱: ۳۶۵). گاه ساختار ادبی ناآشنای آیه، ابهام آفریده‌است؛ مانند تکرار (نک: همان: ج ۱: ۱۲۰؛ برای دیگر موارد تکرار نک: ج ۱: ۳۳۷، ۳۴۹). گاه فلسفه کاربرد آرایه‌ای ادبی-بلاغی مورد سؤال واقع شده‌است؛ از این موارد می‌توان به تشبیه (نک: همان: ج ۱: ۲۱۵) استعاره (نک: همان: ج ۱: ۳۲۸، ۵۲۶)، تأکید (نک: همان: ج ۱: ۳۶۳)، مبالغه (نک: همان: ج ۱: ۴۶۵) یا افزودن قید و افزونه‌ای خاص (نک: همان: ج ۱: ۲۲۸، ۳۵۱، ۴۵۲) اشاره نمود.^{۱۳}

در مسئله تعارض، می‌توان به انواع زیر اشاره نمود: ۱. گاه صدر و ذیل یک آیه دارای تعارض ظاهری‌اند (نک: همان: ج ۱: ۵۰۲)، گاه دو آیه، ظاهراً با یکدیگر تعارض دارند؛ مانند تعارض آیه ۳۲ شعراء و ۳۱ قصص در رابطه با معجزه موسی (ع) (نک: همان: ج ۱: ۲۵). ۳. گاه مدلول ظاهری آیه با عقل ناسازگار است مانند انتساب بکاء به آسمان و زمین در آیه ۲۹ دخان (نک: همان: ج ۱: ۴۹). ۴. گاه مدلول آیه با مدلول یک روایت در تعارض است؛ مانند تعارض آیه ۷۲ اسراء با روایت نبوی «الخلق یحشرون کما بدئوا سالمین من الآفات والعاهات» در ویژگی سلامت بندگان هنگام حشر (نک: همان: ج ۱: ۸۷). ۵. گاه تعارض میان اسلوب ادبی یک آیه و ساختار متعارف کلام عرب است؛ مانند توصیف «دم» به «کذب» به عنوان یک مصدر در آیه ۱۸ یوسف (نک: همان: ج ۱: ۱۰۵؛ ج ۱: ۲۰۰). ۶. در مواردی نیز تعارض میان آیه یا روایت و مذهب فقهی مرتضی است (نک: همان: ج ۱: ۳۹۵).^{۱۴}

دغدغه اصلی مرتضی در پاسخ به اشکالات پیش‌گفته، توسل به قرائن و شواهدی است که بیشترین وجه معنایی، غیر از آن وجهی که مستشکل به آن متوسل شده‌است، را از آیه استظهار کند و جالب‌تر آنکه علاقه‌ای به معرفی وجه منتخب یا راجح از خود نشان نمی‌دهد. به بیان دیگر، به سختی می‌توان موردی از آیات مطرح در امالی پیدا کرد که در آن «مقصود خداوند» در یک آیه اولاً و بالذات مورد سؤال واقع شده‌است. معیار قرارگیری یک آیه در میان آیات مورد بحث در نظر شریف مرتضی ناهمخوانی مدلول ظاهری آن با مبانی و پیش‌فرض‌های اوست؛ خواه پیش‌فرض‌هایی که در نزد او و دیگر مسلمانان مشترک است؛ مانند مواردی که آیه با آیه دیگر یا حکم عقل تعارض دارد و خواه مواردی

^{۱۳}. باید توجه داشت که تسمیه این آرایه‌ها، مطابق رواج متأخر آن‌ها در دانش بلاغت است و شریف مرتضی الزاماً از این عناوین برای نام‌بردن از آرایه‌های مورد بحث استفاده نکرده‌است.

^{۱۴}. گرچه شاید بتوان در وهله اول، مسائل ۹۱ گانه مطرح در امالی را به دو قسم «ابهام» و «تعارض» تقسیم نمود، با درنگ بیشتر معلوم می‌شود که موارد «ابهام» نیز خود به نوعی ذیل قسم دوم یعنی «تعارض» قرار می‌گیرند. تقریباً تمام موارد ابهام، آیات و روایاتی هستند که اسلوب بیانی آنها در مقام واژه (غرابت لفظی)، ساختار (غرابت ساختاری) یا آرایه‌های ادبی متفاوت با شیوه متداول سخن است و لذا موجبات ابهام را فراهم آورده‌است.

که آیه در مقابل ایده خاص مرتضی و جریان فکری معتزله قرار گرفته است؛ مانند موارد کلامی. بدیهی است که جنبه‌جالی‌ترین قسم از تعارض‌هایی که سؤالات ۹۱ گانه فوق را پدیدآورده، همین مورد اخیر یعنی تعارض وحی با مکتب کلامی و اعتقادات فرقه‌ای شریف مرتضی است؛ مواردی که تشتت آرای کلامی در آنها موجب اختلاف تفاسیر از آیه یا روایت را پدید آورده است و او را از دیگر دانشمندان مسلمان جدا کرده است.

ویژگی مشترک پاسخ شریف مرتضی، ارائه راه کارهایی ادبی است که به ارائه مدلولی بدیل در مقابل وجهی از آیه که مورد اشکال واقع شده، می‌انجامد. ذیلاً ۳۱ آیه دارای چالش کلامی در میان حدود ۸۰ آیه چالش برانگیز در امالی اجمالاً از نظر گذرانده می‌شود و پس از آن ابزارهای ادبی به کاررفته توسط شریف مرتضی در تأویل این آیات تحلیل می‌شود.

۲-۳. جایگاه هریک از چالش‌های کلامی در امالی

در ادامه با عنایت به جایگاه هریک از چهار دسته آیات کلامی در امالی شامل مواردی که ظهور اولیه آیه در آن‌ها متضمن «جبر»، «اسناد قبیح به خدا در مرحله صفات»، «اسناد قبیح به خدا در مرحله افعال» و نیز «اسناد قبیح به پیامبران» است، به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۳-۱. چالش جبر

چنانچه تعداد آیات مطرح شده در امالی را دالی بر اهمیت یک موضوع در نظام فکری شریف مرتضی بدانیم، مسئله «جبر» در میان مسائل کلامی مطرح در امالی، با ۴۱٪ جایگاه نخست را به خود اختصاص می‌دهد. ضمناً به دیدگاه شریف مرتضی در این موضوع و نحوه مواجهه با آیات خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱-۱. جبر در منظومه فکری شریف مرتضی

بحث از «اراده» در آثار کلامی شریف مرتضی در دو موضع مطرح می‌گردد؛ موضع نخست که ناظر به جنبه الهیاتی اراده است، به بحث از اراده به عنوان یکی از صفات الهی و کم و کیف آن اختصاص دارد (به عنوان نمونه نک مرتضی، ۱۳۸۱: ۳۵۳ به بعد؛ همچنین ۲۰۱۷: ۷۵). موضع دوم در بحث از اراده، ناظر به بُعد بشری آن بوده و در ذیل بحث «خلق أفعال العباد» مطرح می‌گردد (نک مرتضی، همان: ۴۴۹ به بعد؛ همو، ۱۹۸۵: ج ۱: ۱۳۵-۱۳۸؛ ۲۰۱۷: ۱۳۲). نگاهی به بحث اخیر در آثار شریف مرتضی نشان می‌دهد اصطلاح متداول «جبر و اختیار»^{۱۵} برای بحث درازدامن میان اهل عدل و مخالفان ایشان در باب اراده انسان، اصطلاحی کاملاً متأخر است. دلیل بر مدعای فوق آن است که مدخل بحث حاضر نه سؤال از مجبور یا مختار بودن انسان، بلکه سؤال از

¹⁵. Determinism

این مطلب است که آیا افعال انسان مخلوق اوست یا مخلوق خداوند است^{۱۶} (نک: مرتضی، ۱۹۸۵: ج ۱: ۱۳۵). در این میان معنای «خلق» و اینکه کدام معنای خلق افعال منتسب به خداوند و کدام معنای خلق افعال منتسب به بندگان است از مسائل مهم این بحث کلامی است (همان).

شریف مرتضی همه طوائف اهل عدل و معتزله را قائل به این مطلب می‌داند که افعال بندگان و هر آنچه از ایشان صادر شود، مخلوق خود ایشان و نه مخلوق خداست (نک: همو، ۱۳۸۱: ۴۴۹). وی در پاسخ مسئله نخست در جوابات المسائل الطبریه، که خلق افعال بندگان توسط خدا و نیز معنای روایت امام صادق (ع) به صورت «أفعال العباد مخلوقة خلق تقدير لا خلق تکوین أمر بین أمرین لا جبر و لا تفویض» مورد سؤال واقع شده، به ارائه دیدگاه خود و دلایل تفصیلی آن پرداخته است (نک: همو، ۱۹۸۵: ج ۱: ۱۳۵-۱۳۹). شریف مرتضی با این استدلال که اگر افعال بندگان مخلوق خداوند بود، دیگر اتصاف آنها به حسن و قبح و نیز مدح و ذم آنها از سوی خداوند معنا نداشت^{۱۷}، قول به «خلق افعال عباد» از سوی خداوند را رد می‌کند؛ البته با تذکر به این نکته که معنایی از «خالق» که او آن را از خدا نفی می‌کند «مُحْدِث و مُنْشِئ» است نه «مُقَدِّر و مُرْتَبِّ» (همان: ۱۳۶). شریف مرتضی سپس با بیان مخالفت با نظر ابوالقاسم بلخی، قول به اینکه بندگان خود خالق (= احداث‌کننده) افعال خود هستند را رأی درست می‌داند (همان: ۱۳۷). وی پس از پایه‌گذاری نظر خود، به تأویل روایت امام صادق (ع) پرداخته و به منظور اجتناب از اینکه مبدا مدلول روایت پیش‌گفته با رأی کلامی او در تعارض قرار گیرد، «أمر بین أمرین» در حدیث را با دو وجه بسیار غریب تأویل می‌کند (نک: همان: ۱۳۷-۱۳۸)؛ کاری که به نظر عبدالساتر در نحوه مواجهه استادش شیخ مفید با روایات حوزه جبر و تفویض نیز دیده می‌شود (Abdulsater, 133). در مقام نتیجه‌گیری باید گفت دیدگاه شریف مرتضی در مسئله جبر و اختیار تماماً هم‌سو با قاطبه معتزلیان است؛ هرچند ممکن است در برخی جزئیات با برخی معتزله، مانند بلخی، به مخالفت بپردازد. اینک به منظور آشنایی با نحوه مواجهه شریف مرتضی با آیاتی که در آنها چالش کلامی «جبر» دیده می‌شود، به دسته‌بندی و گزارش این آیات پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۳-۲. آیات با چالش کلامی «جبر» و نحوه مواجهه شریف مرتضی

به‌طور کلی آیات دارای چالش «جبر» در امالی در سه دسته قابل جای‌گذاری هستند که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

^{۱۶}. اصطلاح «خلق افعال العباد» به‌مثابه عنوانی برای ایده جبرگرایان تعبیر رایجی است که حتی عنوان یکی از کتاب‌های بخاری یعنی خلق افعال العباد والرد علی الجهمیه قرار گرفته است (برای کاربردهای این اصطلاح نک ماتریدی، بی‌تا: ۹۲، ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ج ۷: ۳۸۶).

^{۱۷}. مطابق استدلال مرتضی، همان‌گونه که مدح و ذم بندگان بر اساس ویژگی‌های خدادادی ایشان همچون چهره، بدن و ... نادرست است، اگر افعال ایشان نیز مخلوق خدا می‌بود، مدح و ذم افعال بندگان امکان‌پذیر نبود (نک مرتضی، ۱۹۸۵: ج ۱: ۱۳۵).

۲-۳-۱-۲. تعلیق هدایت و ضلالت بندگان به اراده خدا

بیشترین تعداد آیات موهم جبر که توسط شریف مرتضی مطرح شده‌اند، آیاتی است که در ظهور اولیه آن‌ها هدایت و در آن‌سو گمراهی، هلاکت و فسق بندگان به عنوان تابعی از اراده خدا معرفی شده‌است. در میان آیات این قسمت که در امالی مطرح گردیده، تنها یک مورد یعنی آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷) هدایت را تابع اراده خدا معرفی نموده و باقی، مواردی است که گمراهی بندگان را تابع اراده خدا دانسته است.^{۱۸} اراده گمراهی بندگان دارای مصادیقی است که می‌تواند در دسته‌های زیر قرار گیرد:

۱. بازداشتن بندگان از آیات الهی: (اعراف: ۱۴۶)
۲. امر بندگان به فسق به منظور اهلاك ایشان: (اسراء: ۱۶)
۳. قرار دادن دسته‌ای از بندگان به عنوان بندگان طاغوت: (مائده: ۶۰)
۴. اراده مرگ بندگان در حال کفر: (توبه: ۵۵)
۵. احتمال اراده اغوای بندگان توسط خدا: (هود: ۳۴)؛ (اعراف: ۸۹)
۶. احتمال منحرف کردن قلوب توسط خدا: (آل عمران: ۸)
۷. اراده آن‌که همه بندگان در مسیر درست نباشند: (هود: ۱۱۸)
۸. امداد بندگان در مسیر گمراهی: (بقره: ۱۵)

آیات هشت دسته فوق که متضمن اراده گمراهی بندگان توسط خداوند هستند، از دو جهت دارای چالش کلامی هستند. جهت نخست «جبر» است که در این میان فرقی میان اراده هدایت و ضلالت نیست. به عبارت دیگر هر عاملیتی که خداوند در سعادت یا شقاوت بندگان داشته باشد، منافعی با اختیار ایشان و مفید «جبر» است. اشکال دوم منافات با عدل است که مختص به آیاتی است که در آن‌ها گمراهی بندگان به خدا نسبت داده شده‌است؛ چه در آن‌ها امری منافعی عدل خدا به او نسبت داده شده‌است. آن‌گونه که از عبارات شریف مرتضی برمی‌آید، در برخی از این آیات تأکید شریف مرتضی به عنوان پاسخ‌گو بر اشکال نخست یعنی «جبر» (به عنوان مثال نک: مرتضی، ۱۹۵۴: ج ۱: ۵۱۷) و گاه تأکید وی بر مورد دوم یعنی «عدل» است (به عنوان مثال نک: همان: ج ۱: ۳۰۸). عکس‌العمل تأویلی شریف مرتضی در مقابل آیات دارای اشکال فوق، علی‌رغم کاربست ابزارهای ادبی-تفسیری گوناگون در چهارچوب مشخصی قرار دارد. زمانی که بدون تصرف در ترکیب عبارت می‌توان شبهه را رد نمود، شریف مرتضی بدون بحث درباره وجه گوناگون ترکیبی به پاسخ مبادرت می‌نماید. به عنوان مثال در ذیل آیه «وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ» (هود: ۳۴) شریف مرتضی به بیان اینکه بیان یک شرط الزاما به معنای وقوع آن نیست اکتفا می‌نماید (نک همان:

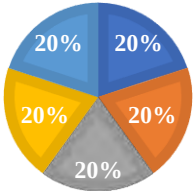
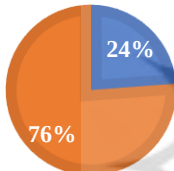
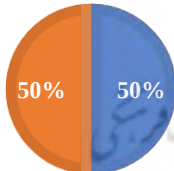
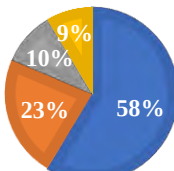
^{۱۸} البته آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که مُشعر به هر کدام از دو بحث فوق است که از سوی شریف مرتضی مورد ذکر قرار نگرفته‌است؛ از جمله می‌توان به آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (قصص: ۵۶) اشاره کرد.

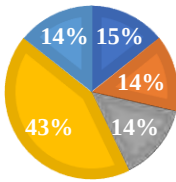
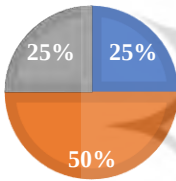
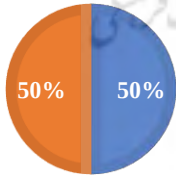
ج ۲: ۲۴۶؛ برای نظیر این عملکرد نک: همان: ج ۱: ۷۰). نظیر این عملکرد در ذیل آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ» (توبه: ۵۵) دیده می‌شود که مرتضی اراده یک امر در یک حالت را به معنای ارادت آن حالت نمی‌داند؛ بر این اساس اراده مرگ افراد در حال کفر به معنای اراده کفر ایشان نیست (نک: همان: ج ۱: ۵۱۷). توجیه عقلی در جایی میسر است که می‌توان با تحلیل رابح آیه نیز معنای صحیحی از آن به دست داد. شریف مرتضی در هنگامی که یک ترکیب خاص الزاماً به معنایی منافی با عدل می‌انجامد، از ابزارهای مختلفی چون تقدیم و تأخیر (نک: همان: ج ۱: ۴-۱)، تغییر معطوف‌علیه (نک: همان: ج ۲: ۱۸۲)، تغییر متعلق فعل (نک: همان: ج ۱: ۱) و تقدیر (نک: همان: ج ۱: ۳۰۸) بهره برده است.^{۱۹} تخصیص مدلول واژه یا عبارتی خاص به سیاق آن (نک: همان: ج ۱: ۳۰۸-۳۱۳)، تغییر یک عبارت از حکم کلی به مجرای خاص (به عنوان نمونه نک: همان: ج ۲: ۲۴۶) یا نسبت دادن آن به موقعیت زبانی خاصی (نک: همان: ج ۲: ۲۸) از دیگر ابزارهای مورد استفاده شریف مرتضی است. در مواردی که قرائت متداول در رساندن وجه مورد نظر شریف مرتضی کمی نارسایی داشته، توسل به دیگر قرائات راهکار دیگر مورد استفاده اوست (نک: همان: ج ۱: ۴-۵). این نکته نیز در نوع خود جالب است که در جایی که قرائتی در میان قرائات هفتگانه، با وجه مطلوب مرتضی تعارض داشته باشد، وی به نقد آن قرائات پرداخته است (نک: همان: ج ۲: ۱۸۲). جدول شماره ۲ به ارائه تمامی وجوه به کاررفته در تأویل آیات جبر و درصد هر یک از ابزارهای ادبی در ذیل هر آیه می‌پردازد.

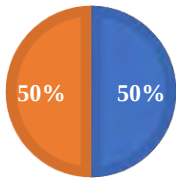
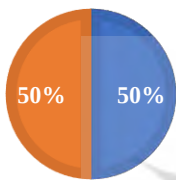
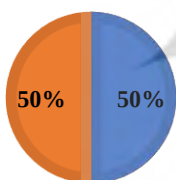
جدول ۲- جمع‌بندی آیات با چالش کلامی «جبر»

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
تأیید هدایت و ضلالت بندگان به خواست خدا	اعراف: ۱۴۶	۱. تقدیر ۲. تخصیص مدلول واژه ۳. تخصیص مدلول واژه ۴. ارائه معنای مجازی ۵. تخصیص مدلول واژه ۶. ارائه معنای مجازی ۷. ارائه معنای مجازی ۸. ارائه معنای مجازی ۹. تخصیص فضای مخاطب (همان: ج ۱: ۳۰۸-۳۱۳).	■ تقدیر ■ تخصیص مدلول ■ مجازی ■ فضای مخاطب

^{۱۹} شریف مرتضی خود تذکر دهد که اتباع ظاهر و عدم تقدیر در نزد او اصل است و لذا وجوهی که در آن بدون تقدیر می‌توان وجه مطلوبی از آیه را استنباط نمود در نزد او اولویت دارد (نک مرتضی، ۱۹۵۴: ج ۲: ۱۲۰).

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
	اسراء: ۱۶	۱. تغییر متعلق فعل ۲. تغییر در نقش نحوی جمله ۳. ارائه معنای مجازی ۴. تقدیم و تأخیر ۵. اختلاف قرائت (همان: ج ۱: ۴-۱)	نقش نحوی متعلق فعل تقدیم و تأخیر مجازی اختلاف قرائت 
	مائده: ۶۰	۱. توجیه عقلی ۲. اختلاف معطوف علیه ۳. اختلاف معطوف علیه (همان: ج ۲: ۱۸۰-۱۸۲)	معطوف علیه توجیه عقلی 
	توبه: ۵۵	۱. توجیه عقلی ۲. اختلاف معطوف علیه (ج ۱: ۵۱۷)	معطوف علیه توجیه عقلی 
	هود: ۲۴	۱. توجیه عقلی ۲. تخصیص مدلول واژه ۳. تخصیص فضای تخاطب ۴. ارائه معنای مجازی (همان: ج ۲: ۲۴۶-۲۴۷)	مجازی توجیه عقلی تخصیص مدلول واژه فضای تخاطب 

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
	اعراف: ۸۹	۱. تخصیص مدلول واژه ۲. ارائه معنای مجازی ۳. تقدیم و تأخیر ۴. اختلاف در مرجع ضمیر ۵. تغییر متعلق فعل ۶. تغییر متعلق فعل ۷. تغییر متعلق فعل (همان: ج ۱: ۴۰۲-۴۰۵)	■ تقدیم و تأخیر ■ مجازی ■ تخصیص مدلول واژه ■ متعلق فعل ■ مرجع ضمیر 
	ال عمران: ۲۸	۱. ارائه معنای مجازی ۲. ارائه معنای مجازی ۳. تغییر متعلق فعل ۴. تخصیص فضای مخاطب (همان: ج ۲: ۲۶-۲۸)	■ متعلق فعل ■ مجازی ■ فضای مخاطب 
	هود: ۱۱۸	۱. توجیه عقلی (همان: ج ۱: ۷۰)	
	نوره: ۱۵	۱. تخصیص مدلول واژه ۲. ارائه معنای مجازی (همان: ج ۲: ۱۵۰)	■ تخصیص مدلول واژه ■ مجازی 

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
تعلیق مشیت بندگان بر مشیت خدا	تکویر: ۲۹	۱. توجیه عقلی ۲. تغییر متعلق فعل (همان: ج: ۱؛ ۵۴۰)	متعلق فعل ■ توجیه عقلی ■ 
	کهف: ۲۳	۱. ترکیب نحوی ۲. تغییر متعلق فعل (همان: ج: ۲۰-۱۲۴)	متعلق فعل ■ ترکیب نحوی ■ 
نسبت خلق اعمال بندگان به خدا	صافات: ۹۶	۱. تخصیص مدلول واژه ۲. ارائه معنای مجازی (همان: ج: ۲؛ ۲۳۶-۲۴۰)	مجازی ■ تخصیص مدلول واژه ■ 

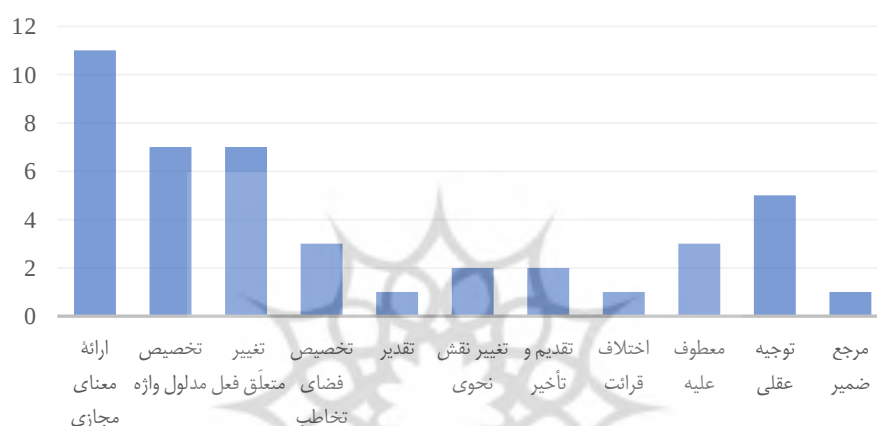
۲-۲-۱-۳-۲. تعلیق مشیت بندگان بر مشیت خدا

دسته دوم از آیات با چالش «جبر» در امالی، می‌توان آن‌ها را صریح‌ترین موارد این اشکال کلامی دانست، آیاتی است که در آن‌ها اراده و مشیت بندگان بر اراده و مشیت خداوند معلق گردیده است. دو آیه در امالی به این دسته اختصاص دارند که عبارت‌اند از آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر: ۲۹) و «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (کهف: ۲۳). به نظر می‌رسد در مفروض ذهنی شریف مرتضی مشیت الهی در این دو آیه مشیت تشریعی است؛ چه اشکال مطرح در هر دو آیه این بیان شده که اگر هر آنچه بندگان انجام می‌دهند مورد مشیت و خواست {تشریعی} خداست، بدین‌سان باید گفت معاصی و گناهان بندگان نیز از نظر خداوند مجاز و مشروع است (نک همان: ج: ۱؛ ۵۳۸؛ ج: ۲؛

(۱۲۰). عکس‌العمل تأویلی شریف مرتضی در قبال این دو آیه عمدتاً به تخصیص مدلول با استفاده از ادوات ادبی و اختصاص مدلول آیه به سیاق خلاصه می‌شود (نک: همان).

۳-۲-۱-۳-۲. نسبت خلق اعمال بندگان به خدا

دسته اخیر از آیات با چالش جبر به تک‌آیه «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶) اختصاص دارد که ممکن است موهم این معنا باشد که خدا خالق اعمال بندگان است. شریف مرتضی با اِشعار به فهم آیه در سیاق و اشاره به آیه قبل یعنی «اتَّعَبُدُونِ مَا تَنْجُتُونَ» (صافات: ۹۵) به تزییق مدلول «ما تعملون» پرداخته و آن را منحصرأبت‌هایی می‌داند که به دست آدمیان ساخته شده‌است.



نمودار ۱- بسامد کاربرد ابزارهای تأویلی در آیات دارای چالش جبر

۲-۳-۲. چالش صفات خبریه

مهم‌ترین مسئله خداشناسی، پس از اثبات وجود خدا، صفات و ویژگی‌هایی است که خداوند را باید با آنها شناخت. وُلفسون^{۲۰} چالش «صفات الهی»^{۲۱} در میان مسلمانان را ذیل دو مقوله «چالش وجودی»^{۲۲} و «چالش معنایی»^{۲۳} قرار می‌دهد. چالش وجودی به بحث‌های فلسفی ناظر به «صفات» و «ذات» خدا و رابطه آن دو برمی‌گردد؛ اینکه آیا صفات جزء ذات‌اند یا متمایز از آن هستند، صفات ازلی خدا کدام است و کدام صفات مخلوق‌اند و بحث‌هایی از این قبیل که دارای تکرار آراء در میان متکلمان است (برای مشاهده آراء متکلمان در این رابطه نک: پاکتچی: همان: تمام متن) می‌پردازد. چالش معنایی عبارت است از اینکه آیا باید معنای این واژگان را، همان‌گونه که در عرف محاوره‌های بشری به کار می‌روند، به خدا نسبت داد یا باید تغییری در معنای آنها، هنگام نسبت به خدا، اعمال نمود (Wolfson, 1956: 73). چالش اخیر در تقسیم‌بندی وُلفسون همان چیزی است که در محافل

²⁰. HARRY A. WOLFSON

²¹. Problem of Divine Attributes

²². Ontological Aspect

²³. Semantic Aspect

کلامی متأخر از آن با عنوان «چالش صفات خبریه» یاد می‌شود. «صفات خبریه» یا «صفات سمعیة» اصطلاحی برای آن دسته از صفات الهی است که ثبوت آن‌ها برای خدا نه از طریق عقل، بلکه از طریق نقل ثابت می‌گردد.

طبق نظر ولفسون، نخستین کسی که از نظر وجودشناختی به بحث از صفات الهی پرداخت، واصل بن عطاء (م. ۱۳۱ق)، بنیانگذار جریان معتزله بود (Wolfson, 1976: 219-220؛ پاکتچی، ۱۳۷۷: ۶۲۶) و نخستین کسی که به چالش معنایی پرداخت جهم بن صفوان (م. ۱۲۸ق)، بنیانگذار فرقه جهمیه، بود. هرچند بعدها معتزله نیز به ایشان پیوستند و با از میان رفتن نام جهمیه در قرون بعدی، این معتزله بودند که نام‌شان با «تأویل» صفات الهی گره خورد. در مکتب تفسیری معتزله، هر کجا که انتساب معنای ظاهری به خداوند با محظوری روبرو باشد، عدول از معنای ظاهری به معنای مراد، خود را نمایان می‌کند. از انتساب صفاتی چون «ید» و «وجه» به خداوند (بقره: ۱۱۵، الرحمن: ۲۷، فتح: ۱۰) تا «استواء بر عرش» (طه: ۵) که موارد مشهور تأویل اند تا نفی سحر، تأثیر جن، عذاب قبر، نکیر و منکر، میزان، صراط، معراج و ... مواردی از اموری است که به جهت استبعاد عقلی معنای ظاهری آن‌ها، در این مکتب مورد تأویل قرار گرفته‌اند (هوشنگی، بی‌تا: ۳۸۲). حال که مشخص شد که تأویل صفاتی چون «ید» مختص به جهمیه و معتزله از ارباب فرق است، باید اشاره کرد که ایشان در تأویل خویش هم‌رأی نبودند و همین باعث نکتز آرای در تأویل صفاتی چون «ید» گردیده‌است؛ به طوری که فقط برای «ید» در آیه «یدالله فوق ایدیهیم» (فتح: ۱۰) ۱۸ معنا برشمرده‌اند (نک: بدری و مؤدب، ۱۴۰۳: ۱۱۶-۱۱۸).

۲-۳-۱. مواجهه شریف مرتضی با آیات صفات خبریه

پنج دسته از آیات صفات خبریه در امالی وجود دارد که به جز یک مورد، باقی موارد آیات معروف و بحث‌برانگیزی هستند که همواره محل بحث و مناقشه مفسران و متکلمان بوده‌اند. موردی که دارای تفاوت با سایر موارد است آیه «وَاللّٰهُ تَزَجُّعُ الْأُمُورُ» (بقره: ۲۱۰) که با فرض تفسیری خاص دارای اشکال کلامی است و آن اینکه چنانچه رجعت و بازگشت نیازمند رفتن باشد، باید گفت امور از دست خدا خارج می‌شوند که به او بازمی‌گردند و این به نوعی منافی با صفت قدرت خداست (نک: مرتضی، ۱۹۵۴: ج ۱: ۳۷۵). از آنجا که این مورد را نمی‌توان در عداد سایر موارد صفات خبریه دانست، باید آن را به نوعی اشکال ابداعی شریف مرتضی تلقی کرد. چهار صفت خبریه دیگر به شرح زیر هستند:

۲-۳-۱-۱. نسبت «نفس» به خدا

یکی از صفات خبریه «نفس» است که در مواضع متعددی از آیات و روایات به خداوند نسبت داده شده‌است. شریف مرتضی در ذیل آیه «تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ» (مائده: ۱۱۶) و با اشاره به آیه «وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (آل عمران: ۲۸) و نیز روایت نبوی منقول از ابوهریره به صورت: «إِذَا أَحَبَّ الْعَبْدُ لِقَائِي أَحَبَّتْ لِقَاءَهُ، وَإِذَا ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتَهُ فِي نَفْسِي» معنای «نفس» در این

کاربردها را مورد سؤال قرار می‌دهد (نک همان: ج ۱: ۳۲۴). وی در پاسخ به این سؤال به معانی مختلف «نفس» در لغت عرب متذکر شده و ضمن شمارش ۸ معنا برای نفس و ذکر شواهد لغوی و شعری آن، معنای «نفس» در کاربردهای فوق را «غیب» معرفی می‌کند (نک: همان).

۲-۳-۲-۱. نسبت «وجه» به خدا

دیگر صفت خبریه مطرح شده «وجه» است که شریف مرتضی سه کاربرد قرآنی آن یعنی آیات «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۷۸)، «إِنَّمَا تُطِيعُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ» (انسان: ۹) و «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» (الرحمن: ۲۷) را ذکر می‌نماید. راه حل شریف مرتضی در پاسخ به سؤال از معنای وجه در این آیات نیز همانند مورد فوق، «اشتراک لفظ» است (نک: همان: ج ۱: ۵۹۰). شریف مرتضی پس از احصای حدود ۱۰ معنا برای «وجه»، معنای «ذات» را شایسته کاربردهای قرآنی‌ای که «وجه» را به خدا نسبت می‌دهند، می‌داند (نک: همان).

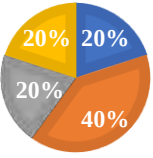
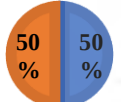
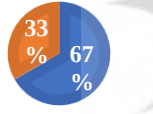
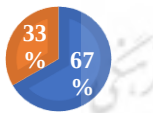
۲-۳-۲-۳. نسبت «ید» به خدا

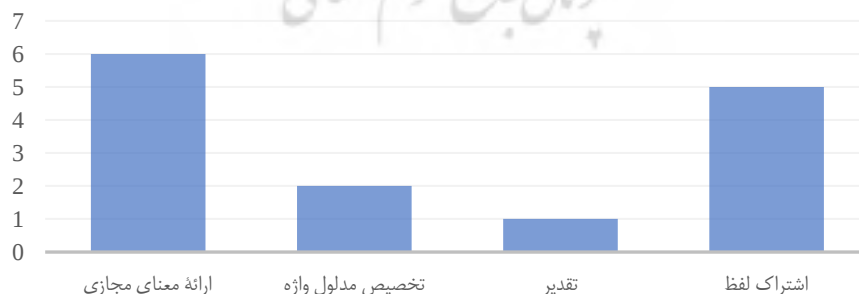
مورد دیگر از آیات صفات خبریه که شریف مرتضی تنها به یک مصداق قرآنی آن اشاره کرده، انتساب «ید» به خداوند است. شریف مرتضی در ذیل آیه «مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي» (ص: ۷۵) نیز به راهکار مورد استفاده در دو مورد نخست متوسل شده است. وی با اشاره به دو معنای کمترشناخته شده «ید» در لغت عرب یعنی «نعمت» و «قدرت» راهکاری برای پاسخ به شبهه دست داشتن خدا مطرح نموده است. راهکار دیگر مطرح شده نوعی مجاز است که وی آن را به عرف زبانی عرب نسبت می‌دهد. وجه استعاره بر این حقیقت استوار است که عرب گاه برای انتساب چیزی به کسی از تعبیر «ید» استفاده می‌کند؛ مثلاً به جای «مَا فَعَلْتُ أَنَا» از تعبیر «مَا فَعَلْتُ يَدَايَ» بهره می‌برد (همان: ج ۱: ۵۶۵).

۲-۳-۲-۴. نسبت احتمال «رؤیت» به خدا

چهارمین صفت خبریه مطرح در امالی «رؤیت» است که می‌توان آن را چالشی‌ترین صفات خبریه در بحث‌های متکلمان دانست. شریف مرتضی در ذیل یکی از مجالس و با طرح آیه «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ» (اعراف: ۱۴۳) اشکالی به شرح زیر را مطرح می‌سازد که از او سؤال شده چگونه جواز «رؤیت» را انکار می‌کند؛ حال آنکه آیه ۱۴۳ اعراف از دو جهت بر آن دلالت دارد. جهت نخست آنکه اگر «رؤیت» ممکن نبود موسی (ع) آن را از خدا مسئلت نمی‌کرد و دوم آنکه تعلیق «رؤیت» بر امری واقعی چون استقرار جبل نشان از آن دارد که «رؤیت» ممکن است. مرتضی به منظور پاسخ به هر دو جهت اشکال، به نسخی از مجاز روی آورده است. وی در پاسخ به اشکال نخست بیان می‌دارد که درخواست رؤیت نه برای خود موسی بلکه برای قوم او بوده است. در صدد پاسخ به سؤال دوم، شریف مرتضی «استقرار جبل» را نه در همه زمان‌ها بلکه منحصرأ در زمانی می‌داند که در آن کوه استقرار نداشت (نک: همان: ج ۲: ۲۱۵-۲۱۸).

جدول ۳- جمع‌بندی آیات با چالش کلامی «صفات خبریه»

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
نسبت فقدان قدرت به خدا	بقره: ۲۱۰	ارائه معنای مجازی اشتراک لفظ تخصیص مدلول واژه ارائه معنای مجازی تقدیر (همان: ج ۱: ۳۷۵-۳۷۶)	■ مجازی ■ تقدیر ■ اشتراک لفظ ■ تخصیص مدلول واژه 
نسبت «نفس» به خدا	مائده: ۱۱۶ آل عمران: ۲۸	اشتراک لفظ (همان: ج ۱: ۳۲۴)	
نسبت «وجه» به خدا	قصص: ۷۸ انسان: ۹ الرحمن: ۲۷	اشتراک لفظ ارائه معنای مجازی (فقط در آیه ۷۸ قصص) (همان: ج ۱: ۵۹۰-۵۹۲)	■ مجازی ■ اشتراک لفظ 
نسبت «ید» به خدا	ص: ۷۵	ارائه معنای مجازی اشتراک لفظ اشتراک لفظ (همان: ج ۱: ۵۶۵)	■ مجازی ■ اشتراک لفظ 
نسبت احتمال «رؤیت» به خدا	اعراف: ۱۴۳	ارائه معنای مجازی ارائه معنای مجازی تخصیص مدلول واژه	■ مجازی ■ تخصیص مدلول واژه 



نمودار ۲- بسامد کاربرد ابزارهای تأویلی در آیات دارای چالش «صفات خبریه»

تعداد کم آیات صفات خبریه در امالی، در مقایسه با دیگر آیات صفات خبریه که توسط مرتضی ذکر نشده‌اند و نیز در مقایسه با آیات جبر نشان از آن دارد که شبهه صفات خبریه به آن اندازه توسط او جدی گرفته نمی‌شود و بوم علمی او بیشتر با شبهاتی نظیر «جبر» درگیر است. با این حال تفاوت عملکرد شریف مرتضی در مواجهه با شبهات «نفس»، «وجه» و «عین» که در آنها صرفاً به ذکر معانی مختلف لغوی این واژگان بسنده نموده و شبهه «رؤیت» قابل توجه است.

۳-۳-۲. چالش افعال قبیح

گونه سوم از آیات با چالش کلامی در امالی به آیاتی اختصاص دارد که تحت عنوان آیات صفات خبریه جای نمی‌گیرند؛ چه اینکه با دقت نظر مشخص می‌شود این آیات صفتی، که از نظر قبیح انتساب آن به خدا جایز نیست، را در بر ندارند بلکه متضمن فعلی هستند که انتساب آن به خداوند جایز نیست. لازم به ذکر است که این تفکیک مرهون تطورات متأخر دانش کلام است و شریف مرتضی در هنگام طرح این مسائل تفکیکی میان موارد صفات و افعال قائل نیست. چهار فعل قبیح در آیات مطرح گردیده که ذیلاً به آنها خواهیم پرداخت.

۳-۳-۲-۱. اراده اختلاف مردم

شریف مرتضی با طرح آیه «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ. إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (هود: ۱۱۸-۱۱۹) به بیان دو اشکال از آیه مبادرت می‌کند که اولی به مسئله جبر و دومی به مسئله حاضر بازمی‌گردد. اشکال نخست به آیه ۱۱۸ بازمی‌گردد که مطابق آن خدا اراده نکرده‌است که برخی از بندگان در زمره مؤمنان قرار گیرند. اشکال دوم به آیه ۱۱۹ بازمی‌گردد که در آن مطابق تحلیل مستشکل، مشارالیه «ذلک»، «اختلاف» است نه «رحمة» زیرا برای آنکه به «رحمة» بازگردد باید از اسم اشاره «تلك» استفاده می‌شد؛ بر این اساس خداوند بندگان را به منظور اختلاف آفریده‌است. شریف مرتضی به منظور مفرّ از این اشکال نخست، با نوعی استدلال دوری، رجوع «ذلک» به اختلاف را غیرممکن می‌داند؛ زیرا ناهمخوان با ذات الهی است. سپس به منظور توجیه رجوع اسم اشاره مذکور به «رحمة»، بیان می‌دارد که «رحمة» مؤنث مجازی است و اسم اشاره به معنای آن یعنی «فضل» بازگشته‌است (نک همان: ج ۱: ۷۱).

۳-۳-۲-۲. اراده شر نسبت به بندگان

عنوان حاضر برای اشکالی قرارداد شده که شریف مرتضی در ذیل آیه «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكِينَ بِبَابِلَ هَاوُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ» (بقره: ۱۰۲) مطرح نموده‌است. مطابق این اشکال، تعلیم سحر به ملائکه توسط خدا و نیز تعلیم آنچه به تفریق زن و مرد می‌انجامد توسط ملائکه و نسبت ضرر ملائکه به اذن خدا مورد سؤال واقع شده‌است.

شریف مرتضی در گام نخست «ما أنزل علی الملائكة» را نه مشعر به «سحر» بلکه اموری در وصف سحر و تنبیه نسبت به آن می‌داند (نک همان: ج ۱: ۴۱۸). در گام دوم ضمیر مثنی در «فَبَتَلَّوْا مِنْهُمَا» را نه به «ملکین» بلکه به «کفر» و «سحر» باز می‌گرداند (نک همان: ج ۱: ۴۲۰). در این میان وجوه دیگری همچون تلقی «ما» بر سر «أنزل علی الملکین» به عنوان «مای نافیه» نیز از دیگر وجوهی است که وی به کار بسته است (نک: همان: ج ۱: ۴۲۱). برای شبهه سوم که در آن ضرر به اذن خدا منتسب شده بود شریف مرتضی از وجوهی همچون معنای «علم» یا «ترک المنع» برای «إذن» یا زائده بودن «إلا» استفاده نموده است (نک: همان: ج ۱: ۴۲۳).

۲-۳-۳. تکلیف ما لا یطاق

در میان آیات مورد بررسی دو آیه وجود دارد که در آنها اشکال آیه چیزی است که مطابق تقریر شریف مرتضی «تکلیف ما لا یطاق» عنوان شده است. نخستین مورد از اشکال پیش گفته تکلیفی است که خداوند به ملائکه در آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۳۱) متوجه نموده که خارج از توان و قدرت ایشان بوده است. شریف مرتضی در پاسخ به این سؤال که امر ملائکه به خبر دادن از اسماء خارج از قدرت ایشان بوده، به چندین وجه متوسل شده است. وجه نخست گره زدن عبارت با قسمت بعدی آیه یعنی شرط «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» است. مطابق این وجه امر خدا به خبر دادن از اسماء وابسته به شرط پیش گفته است؛ به عبارت دیگر معنا چنین است: «اگر راست می‌گویید از اسماء به من خبر دهید» (نک: همان: ج ۲: ۶۸). جواب دوم شریف مرتضی بر این امر استوار است که «امر» در آیه حقیقی نیست و بالطبع تکلیفی بر آن مترتب نمی‌گردد (نک: همان: ج ۲: ۶۹). دومین آیه‌ای که در آن اشکال «تکلیف ما لا یطاق» مطرح گردیده تکلیف بندگان مرتکب «نسیان» در آیه «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» (بقره: ۲۸۶) است. مطابق تقریر اشکال، چنانچه قرار باشد شخصی به خاطر «نسیان» مؤاخذه شود، پس برای او تکلیف بوده است؛ حال آنکه تکلیفی بر «ناسی» نیست (نک: همان: ج ۲: ۱۳۱). شریف مرتضی در مقام پاسخ نخست به معنای «ترک» برای «نسیان» اشاره می‌کند و شواهدی قرآنی از این معنا متذکر می‌گردد. وجه دیگر دعا و انقطاع به خداست که او به مباحث پیش‌تر خود در امالی ارجاع داده و عبارت دیگر آیه ۲۸۶ بقره یعنی «لَا تُحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» را به عنوان شاهد برای آن ذکر می‌کند (نک: همان: ج ۲: ۱۳۲).

۲-۳-۴. استهزاء

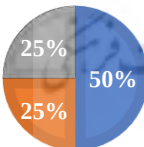
مورد اخیر از افعال قبیح «استهزاء» است که در آیه «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمْدُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (بقره: ۱۵) به خداوند نسبت داده شده است. وجه نخست پاسخ شریف مرتضی چیزی است که خود نام آن را «مجاز» و «تشبیه» عنوان می‌کند. مطابق این وجه مراد از استهزاء «تجهیل» (جاهل دانستن) و «تخطئه» (خطا دانستن) بندگان گنهکار توسط خداوند است (نک: ج ۲: ۱۴۴). وجه دیگر لحاظ

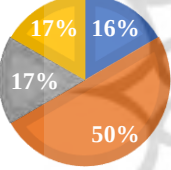
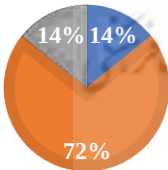
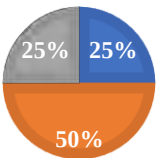
نمودن معنای «استدراج» و «إِهْلَاك» برای «استهزاء» است (نک: همان: ج ۲: ۱۴۵). وجه اخیر در معنای «استهزاء» آن است که خداوند همانند مؤمنان وسایل زندگی و نعمت دنیوی را برای کفار فراهم آورده است، حال آنکه در آخرت بناست ایشان را تعذیب نماید (نک: ۱۴۶). معنای چهارم برگرداندن «استهزاء» و «مکر» کفار به خود ایشان (همان) و معنای پنجم، تأویل عبارت به صورت «یجازیهم علی استهزائهم» است (همان: ج ۲: ۱۴۷).

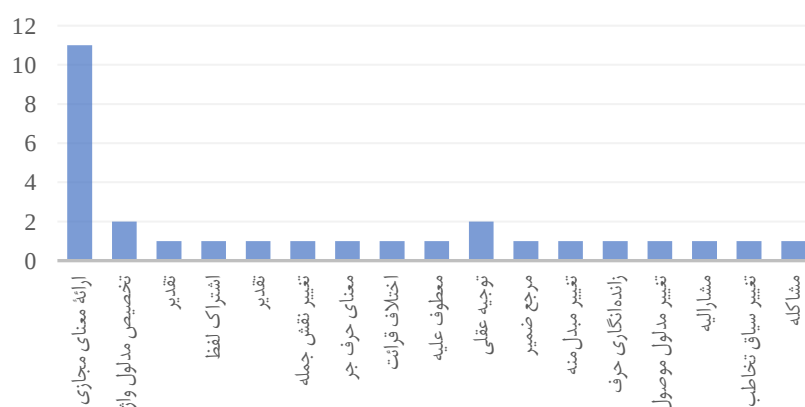
۲-۳-۵. قرار گرفتن در ورای حجاب

مورد اخیر از افعال قبیح ناظر به آیه «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (شوری: ۵۱) است که در ظهور آن قرارگرفتن در حجاب به خدا نسبت داده شده است. شریف مرتضی در وهله نخست ضمن بیان این نکته که مشخص نیست قید «من وراء حجاب» برای خدا، محل کلام خدا یا کسی است که خدا با او سخن می گوید، تصریح می کند که به جهت معذوریت کلامی باید «من وراء حجاب» را به چیزی غیر از خداوند برگرداند (نک: همان: ج ۲: ۲۰۵). وجه دیگری که مورد ترجیح او واقع گردیده نسبت دادن حجاب به کلام است. مطابق این وجه در سنخ خاصی از «وحی» کلام در حجاب از همه انسان ها به جز شخصی که با خدا وحی می کند قرارمی گیرد؛ نظیر وحی خداوند به موسی (ع) (نک: همان: ج ۲: ۲۰۶).

جدول ۴- جمع بندی آیات با چالش کلامی «افعال قبیح»

چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
اراده اختلاف مردم	هود: ۱۱۸-۱۱۹	۱. توجیه عقلی ۲. توجیه عقلی ۳. تغییر مشارالیه ۴. اشتراک لفظ (همان: ج ۱: ۷۱-۷۳)	اشتراک لفظ مشارالیه توجیه عقلی 

■ معطوف علیه ■ تغییر مدلول موصول ■ معنای حرف جر ■ زائده انگاری ■ مرجع ضمیر ■ نوع حرف ■ مجازی ■ مبدل منه ■ اختصاص مدلول ■ اختلاف قرائت ■ اشتراك لفظ 	۱. تغییر مدلول موصول ۲. اشتراك لفظ ۳. تغییر معطوف علیه ۴. تغییر مرجع ضمیر ۵. تغییر معنای حرف جر ۶. تغییر نوع حرف ۷. تغییر مبدل منه ۸. اختلاف قرائت ۹. ارائه معنای مجازی ۱۰. زائده انگاری حرف ۱۱. تخصیص مدلول واژه (همان: ج ۱: ۴۱۷-۴۲۴)	نقشه: ۱۰۲	اراده شمر نسبت به بندگان
■ مجازی ■ نقش جمله ■ سیاق تخاطب ■ تقدیر 	۱. تغییر نقش جمله ۲. ارائه معنای مجازی ۳. تقدیر (همان: ج ۲: ۶۹-۷۲)	نقشه: ۳۱	تکلیف ما لا یطاق
■ مجازی ■ تخصیص مدلول واژه ■ مشکله 	۱. ارائه معنای مجازی ۲. ارائه معنای مجازی ۳. ارائه معنای مجازی ۴. ارائه معنای مجازی ۵. ارائه معنای مجازی ۶. تخصیص مدلول واژه ۷. مشکله	نقشه: ۱۵	استهزاء
■ متعلق ■ مجازی ■ تخصیص مدلول واژه 	۱. تغییر متعلق حرف جر ۲. تخصیص مدلول واژه ۳. معنای مجازی ۴. معنای مجازی (همان: ج ۲: ۲۰۷-۲۰۵)	شوری: ۵۱	قرار گرفتن در ورای حجاب



نمودار ۳- بسامد کاربرد ابزارهای تأویلی در آیات دارای چالش «افعال قبیح»

۲-۳-۴. چالش منافات با عصمت

چالش‌های کلامی سه‌گانه که تاکنون طرح شد مواردی بود که در آن شریف مرتضی با قاطبه معتزله هم‌سو و هم‌نظر بود. در این میان موردی که می‌توان آن را امری پررنگ‌تر در منظومه فکری شریف مرتضی در مقایسه با دیگر معتزله دانست مقوله «عصمت» است.

۲-۳-۴-۱. نسبت اراده معصیت به یوسف (ع)

دو آیه در دو مجلس مختلف امالی مورد بحث واقع شده‌اند که چالش کلامی هر دو انتساب امری منافی با عصمت به یوسف (ع) است. این دو آیه عبارت‌اند از: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ» (یوسف: ۲۴) و نیز آیه «وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِيْنَ» (یوسف: ۳۳). شریف مرتضی در مجلس ۳۶ امالی انگاره‌ای در تفسیر آیه ۲۴ یوسف را نقل کرده‌است که مطابق آن یوسف عزم گناه نمود و مقدمات آن را هم فراهم کرد منتهی صورت پدرش یعقوب در حالیکه انگشت به دهان می‌گزد و او را از عذاب الهی تحذیر می‌دهد به خاطر آورد و از این روی از گناه منصرف شد (همان: ج ۱: ۴۷۷). شریف مرتضی در ادامه با بیانی قاطع به ارائه اصلی تفسیری که خود به آن پایبند است می‌پردازد. مرتضی بیان می‌دارد «زمانی که با ادله قاطع عقلی که هیچ‌گونه مجاز و احتمالی در آن وارد نیست، یافتیم که انبیاء گناه نمی‌کنند بنا بر این باید هر آنچه از ظواهر کتاب و سنت که منافی با این اصل است را کنار نهیم» (همان). سپس به بیان وجوهی می‌پردازد که مطابق هر یک پیامبر خدا از گناه منزّه خواهد بود (همان). وجه نخست آن است که متعلق «همم بها» نه گناه بلکه ضرب و شتم همسر عزیز باشد که مطابق نظر مرتضی، یوسف در صدد آن بود اما چون برهان پروردگار را دید که در صورت انجام این کار توسط مصریان مجازات خواهد شد از آن منصرف گردید (نک: همان: ج ۲: ۴۷۸). وجه دوم مبتنی بر تقدیم و تأخیر است به طوری که اصل آیه چنین بوده: «ولقد

همت به، ولولا أن رأى برهان ربه لهم بها» (نک: ۴۸۰). وجه سوم نیز تصرف در معنای «هم بها» است به گونه‌ای که آن را به صورت «اشتهاها» معنا نمود (همان: ج ۲: ۴۸۱). وجه چهارم که بسیار غریب است مبتنی بر عادت زبانی عرب است که مرتضی آن را با عنوان «أن يسموا الشيء باسم ما يقع عنده في الأكثر» معرفی می‌کند. مطابق این قاعده از آنجا که فعل «هم» برای اکثر افراد در این شرایط صدق می‌کند، برای یوسف نیز از آن استفاده شده است (همان: ج ۲: ۴۸۱).

آیه دوم که منافای با عصمت یوسف معرفی شده آیه ۳۳ یوسف است که در آن زندان در نزد یوسف «محبوب‌تر» از گناه عنوان شده است. اشکال به این صورت است که محبوب دانستن زندان و «قطع از تصرف» نوعی معصیت خداوند است. جواب به اشکال نخست از طریق تغییر متعلق «أحب» صورت پذیرفته است (نک: همان: ج ۱: ۴۹۰). وجه دیگری برای پاسخ به این اشکال معنا کردن «أحب» به معنای «أهون» و «أسهل» است (همان: ج ۱: ۴۹۱). پاسخ قسم دوم اشکال یعنی عبارت «وَأِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ» نیز بر سبیل انقطاع به خدا تفسیر شده است و به تصریح مرتضی منافاتی با عصمت یوسف (ع) ندارد (همان: ج ۱: ۴۹۲).

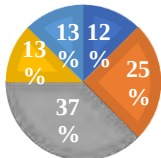
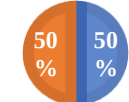
۲-۴-۳-۲. نسبت اراده به گناه افتادن برادر به هابیل

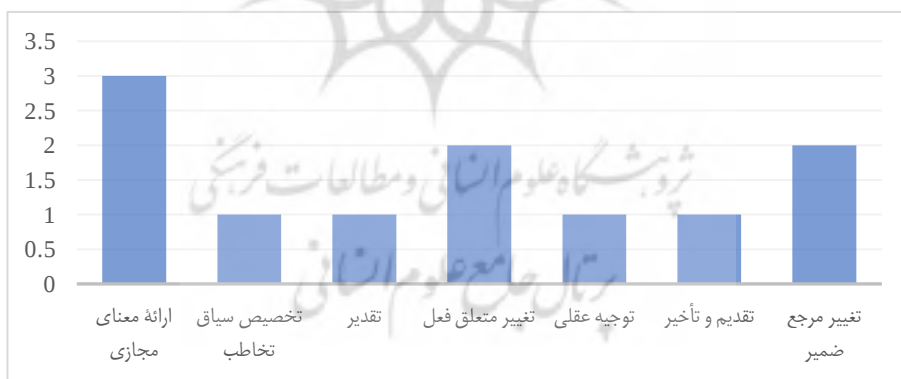
در آیه ۲۹ سوره مائده و در هنگام حکایت داستان هابیل و قابیل، مطابق ظهور آیه به نظر می‌رسد هابیل خطاب به برادرش چنین می‌گوید: «که در صورتی که تو عزم به کشتن من داشته باشی من چنین نمی‌کنم چه اینکه من می‌خواهم به گناه کشتن من دچار شوم». اشکال مطرح در آیه آن است که اراده قبیح نیز قبیح است و چگونه خدا آن را به فردی صالح نسبت داده است؟ شریف مرتضی در این آیه عملکرد جالبی داشته به طوری که دخل و تصرفی در ظهور آیه ننموده است بلکه در قبیح بودن آنچه به هابیل نسبت داده شده تردید کرده است. مطابق بیان وی خواستن مجازات الهی برای کسی که مرتکب گناه می‌شود قبیح نیست و هابیل در عبارت «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» در صدد همین مهم است (نک: همان: ج ۲: ۴۶). همچنین مرتضی به بیان وجوه دیگری از جمله تقدیر «زوال» پیش از «آن تبوء» یا تقدیر «لای نافیة» مبادرت نموده و خود به نقد این وجوه پرداخته است. (نک: همان: ج ۲: ۴۸).

۲-۴-۳-۲. نسبت شرک به آدم و حواء

مورد اخیر از آیات با چالش منافات با عصمت به آیه ۱۸۹ و ۱۹۰ اعراف برمی‌گردد که حکایت گر زوجی است که از خداوند طلب فرزند می‌کنند و پس از اجابت دعای خویش به خدا شرک می‌ورزند. مطابق بیان مستشکل مراد از این زوج آدم و حواء است و آیه در صدد نسبت شرک به ایشان است؛ چه سخن از نفس واحدة و همسرش منطبق با آدم و حواء است. شریف مرتضی با بیان اینکه تتمه آیه نه به آدم و حواء که به جنس انسان برمی‌گردد به دفع این شبهه همت می‌گمارد. شاهد او بر این امر صیغه جمع در عبارت انتهایی «فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» است (نک: همان: ج ۲: ۲۳۱).

جدول ۵- جمع‌بندی آیات با چالش کلامی «عصمت»

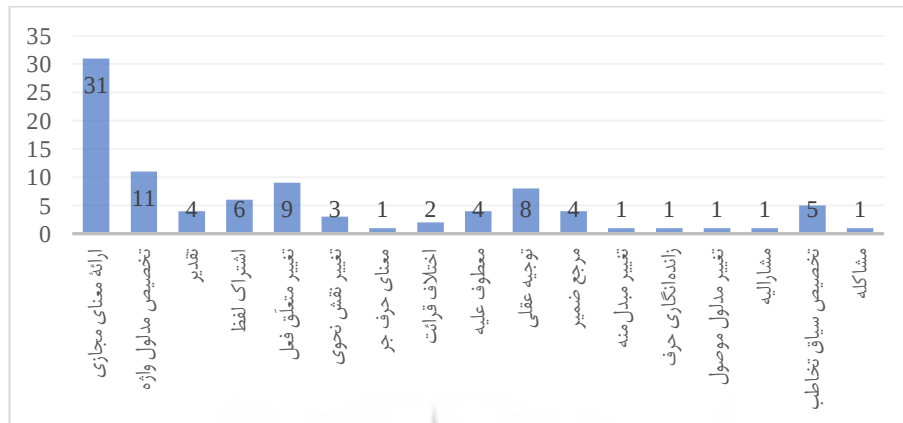
چالش فرعی	آیه	راهکار شریف مرتضی	ارزیابی عملکرد
نسبت اراده معصیت به یوسف (ع)	یوسف: ۲۴	تغییر متعلق فعل تقدیم و تأخیر ارائه معنای مجازی ارائه معنای مجازی (نک: همان: ج ۱: ۴۷۸-۴۸۱)	
	یوسف: ۳۳	تغییر متعلق فعل توجیه عقلی ارائه معنای مجازی تخصیص سیاق مخاطب (نک: همان: ج ۱: ۴۹۰-۴۹۲)	
نسبت اراده به گناه افتادن برادر به هابیل	مائده: ۲۹	توجیه عقلی تقدیر (همان: ج ۲: ۴۶-۴۸)	
نسبت شرک به آدم و حواء	اعراف: ۱۸۹-۱۹۰	تغییر مرجع ضمیر (همان: ج ۲: ۲۳۱)	



نمودار ۴- بسامد کاربرد ابزارهای تأویلی در آیات دارای چالش «عصمت»

نکته مشترکی که در تأویل چهار آیه دارای چالش منافات با عصمت دیده می‌شود، تذکر شریف مرتضی به این نکته است که در صورتی که یک وجه با عصمت انبیاء در تعارض قرار می‌گیرد به این معناست که باید آن وجه کنار نهاده شود (نک: همان: ج ۱: ۴۷۷؛ ج ۲: ۲۳۲). به نظر می‌رسد پافشاری بر اصل

عصمت، نظر به آنکه برخی معتزله در اعتقاد به آن مخالف با شریف مرتضی هستند، انگیزه تأکید فوق است.



نمودار ۵- بسامد کاربرد ابزارهای تأویلی در همه آیات دارای چالش کلامی در امالی

نتایج

شریف مرتضی به عنوان نماینده مهمی از رویکرد کلامی عقل‌گرای بوم بغداد در قرن چهارم تأثیر به‌سزایی در تلفیق عقاید معتزلی و شیعی دارد. وی در الامالی با طرح اشکالات متعددی که بر اساس ظهورات آیات و روایات، مبانی کلامی او را مورد مناقشه قرار می‌دهند در صدد پاسخ برآمده‌است. پاسخ شریف مرتضی در همه موارد آیات و روایات کلامی در امالی به ارائه وجه یا وجوهی از آیه یا روایت می‌انجامد که در آن تعارض میان اصول اعتقادی او و مدلول قرآن و حدیث وجود ندارد.

۱. چالش‌های کلامی مطرح در امالی ذیل چهار عنوان چالش جبر، چالش صفات خبریه، چالش افعال قبیح و نیز چالش عصمت قابل دسته‌بندی است. چالش جبر با ۴۱/۱ درصد از آیات و روایات کلامی امالی شامل ۱۳ آیه و ۱ روایت خود در ذیل سه چالش فرعی «تعلیق هدایت و ضلالت بندگان به خواست خدا» با ۱۰ آیه و ۱ روایت، «تعلیق مشیت بندگان بر مشیت خدا» با ۲ آیه و «نسبت خلق اعمال بندگان به خدا» با ۱ آیه قرار می‌گیرد. چالش صفات خبریه با ۲۶/۴ درصد شامل ۸ آیه و ۱ روایت است که مجموعاً ۵ صفت خبریه شامل «نفس»، «وجه»، «ید»، «رؤیت» و «فقدان قدرت» را به خدا نسبت می‌دهند. چالش افعال قبیح با ۲۰/۵ درصد موارد شامل ۷ آیه است که ذیل ۵ فعل قبیح شامل «اراده اختلاف مردم»، «اراده شر نسبت به بندگان»، «تکلیف ما لا یطاق»، «استهزاء» و «قرارگرفتن در وراء حجاب» قرار می‌گیرند. چالش عصمت نیز با ۱۱/۷ درصد شامل ۴ آیه است که ذیل سه مورد شامل «نسبت اراده معصیت به یوسف»، «نسبت اراده گناه دیگری به هابیل» و «نسبت شرک به آدم و حواء» دسته‌بندی می‌شود.

۲. عملکرد تأویلی شریف مرتضی در ذیل آیات دارای چالش کلامی در امالی شامل استفاده از ۱۷ راهکار تفسیری-ادبی است که به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: «ارائه معنای مجازی»، «تخصیص مدلول واژه»، «تغییر متعلق فعل»، «توجیه عقلی»، «اشتراک لفظ»، «تخصیص سیاق مخاطب»، «تغییر معطوف علیه»، «تغییر مرجع ضمیر»، «تقدیر»، «تغییر نقش نحوی»، «اختلاف قرائت»، «تغییر معنای حرف جر»، «تغییر مبدل منه»، «زائده‌انگاری حرف»، «تغییر مدلول موصول»، «تغییر مشارالیه» و «ادعای مشاکله». در ذیل ۳۱ آیه چالش‌برانگیز کلامی مجموعاً بیش از ۹۰ وجه تأویلی ذکر گردیده که هر وجه شامل یکی یا بیشتر از ابزارهای فوق است. در میان ابزارهای به‌کاررفته «ارائه معنای مجازی»، با ۳۱ مورد استفاده، ۳/۳۳ درصد از موارد تأویلی، «تخصیص مدلول واژه» با ۱۱ مورد استفاده، ۸/۱۱ درصد، «تغییر متعلق فعل» با ۹ مورد استفاده، ۶/۹ درصد، «توجیه عقلی» با ۸ مورد، ۶/۸ درصد و «اشتراک لفظ» با ۶ مورد، ۴/۶ درصد موارد را به خود اختصاص داده‌است. ۵ ابزار پرکاربرد فوق مجموعاً شامل ۸۹/۶۹ درصد وجوه تأویلی و ۱۲ ابزار دیگر مجموعاً شامل ۱۱/۳۰ درصد موارد هستند. اگر «تخصیص مدلول واژه» را نیز به عنوان گونه‌ای از انواع مجاز (استعمال جزء در معنای کل) در نظر بگیریم، تمسک به «مجاز» ۱/۴۵ درصد وجوه تأویلی شریف مرتضی را شامل می‌شود.

۳. کمترین تنوع ابزار در آیات «صفات خبریه» با ۴ ابزار به ازای ۸ آیه و بیشترین تنوع در آیات «افعال قبیح» با ۱۷ ابزار به ازای ۶ آیه است. علت تعداد بالای ابزارهای به‌کاررفته در ذیل چالش افعال قبیح را باید در تعداد بالای ابزارهایی دانست که در ذیل آیه ۱۰۲ بقره به کاررفته‌اند که ۱۱ مورد به ازای یک آیه است.

منابع

قرآن کریم

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۶). بیان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة. المدینة: مجمع الملك فهد.

_____ (۱۴۲۵). مجموع الفتاوی. المدینة: مجمع الملك فهد.

_____ (۱۴۰۶). منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة. الرياض: جامعة الإمام محمد بن سعود.

ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). الفصل فی الملل والأهواء والنحل. القاهرة: مكتبة الخانجي.

اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۳۲). الإبانة عن أصول الديانة. الرياض: دارالفضيلة.

_____ (۱۹۸۰). مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، فیسبادن: دار فرانز شتاينز.

امین، احمد (بی تا). ضحی الإسلام. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.

امین، محسن (۱۹۸۳). أعیان الشیعة. بیروت: دارالتعارف.

بدری، علی و مؤدب، سید رضا (۱۴۰۳). تحلیل تفسیری معنای مجازی «ید» در آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» و نقد دیدگاه زمخشری. مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۵۶ (۱)، ۱۱۱-۱۳۱.

پاکتچی، احمد (۱۳۷۷). اسماء و صفات (صفات الهی در علم کلام). در دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۸: ۶۲۴-۶۲۸.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۱۴). معجم الأدباء. بیروت: دارالغرب الإسلامي.

ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام. بیروت: دارالکتب العربی.

_____ (۱۴۲۴). بیروت: دارالغرب الإسلامي.

_____ (۱۹۶۳). میزان الاعتدال. بیروت: دارالمعرفة.

_____ (۱۴۰۵). سیر أعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرسالة.

روحانی، سید مهدی (۱۹۷۹). بحوث مع أهل السنة والسلفية. بی مک: المكتبة الإسلامية.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۵). عصمة الأنبياء فی القرآن الکریم. بیروت: دارالولاء.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (بی تا). الملل والنحل. بیروت: مؤسسة الحلبي.

عقيلي، محمد بن عمرو (۱۴۰۴). الضعفاء الكبير. بيروت: دارالمكتبة العلمية.

ماتريدي، محمد بن محمد. التوحيد. الإسكندرية: دارالجامعات المصرية.

مرتضى، على بن الحسين (۱۹۵۴). أمالي المرتضى (غرر الفوائد ودرر القلائد). بيروت: دار إحياء الكتب العربي.

_____ (۱۴۳۱). الذخيرة في علم الكلام. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

_____ (۱۳۸۱). الملخص في أصول الدين. تهران: نشر دانشگاهی.

_____ (۱۹۸۵). رسائل الشريف المرتضى. قم: دارالقرآن الكريم.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۰۳). أوائل المقالات في المذاهب والمختارات. بيروت: دارالكتاب الإسلامي.

نويهض، عادل (۱۴۰۹). معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر». بيروت: مؤسسة نويهض الثقافية.

هوشنگی، حسین (بی‌تا). تأویل (زمینه‌های کلامی و فلسفی تأویل). در دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۴: ۳۸۰-۳۸۷.

Abdulsater, Hussein (2017). *Shi'i Doctrines, Mu'tazili Theology: al-Sharīf al-Murtaḍā and the Imami Discourse*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

Cook, Michael (2010). *Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.

Wolfson, Harry Austryn (1976). *The Philosophy Of The Kalam*. Cambridge: Harvard University Press.

----- (1959), *Philosophical Implications of the problem of Divine attributes in the Kalam*. Journal of the American Oriental society. 79 (3) , 73-80. <https://www.jstor.org/stable/595847>.